

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و
ارسال رایگان

Medabook.com



مدابوک



یک جله تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰



ترجمه کلمه به کلمه و روان متن

وَ ذَاكَ هُوَ اللَّهُ (آن همان خداوند است.)

أَنْظُرُ	لَيْتَكَ	السَّجَرَةَ	ذَاتِ	الْغُصُونِ	النَّصْرَةَ
نگاه کن	به آن	درخت	دارای	شاخه‌ها	تر و تازه

به آن درختِ دارای شاخه‌های تر و تازه نگاه کن.

كَيْفَ	نَمَتْ	مِنْ	حَبَّةٍ	وَ	كَيْفَ	صَارَتْ	شَجَرَةٍ
چگونه	رشد کرد	از	دانه	و	چگونه	شد	درخت

چگونه از دانه‌ای رشد کرد و چگونه درخت شد؟

فَابَحِثْ	وَ	قُلْ	مَنْ	ذَا	الَّذِي	يُخْرِجُ	مِنْهَا	الثَّمَرَةَ
پس تحقیق کن	و	بگو	کیست	این	کسی که	در می‌آورد	از آن	میوه

پس تحقیق کن و بگو این کیست که از آن [درخت] میوه را درمی‌آورد؟

وَ أَنْظُرْ	إِلَى	الشَّمْسِ	الَّتِي	جَدَوْتُهَا	مُسْتَعْرَةً
و نگاه کن	به	خورشید	که	پارهٔ آتش آن	فروزان

و به خورشیدی که پارهٔ آتشِ آن فروزان است، نگاه کن.

فِيهَا	ضِيَاءٌ	وَ	يُهَا	حَرَارَةٌ	مُنْتَشِرَةٌ
در آن	روشنایی	و	با آن	گرما	پخش‌شونده

در آن [خورشید] روشنایی هست و با آن گرما و حرارتی پخش‌شونده هست.

مَنْ	ذَا	الَّذِي	أَوْجَدَهَا	فِي	الْجَوِّ	مِثْلَ	الشَّرَرَةِ
کیست	این	کسی که	پدید آورد آن را	در	آسمان	مثل	پارهٔ آتش

این کیست که آن [خورشید] را همانند پارهٔ آتش در آسمان پدید آورد؟

ذَلِكَ	هُوَ	اللَّهُ	الَّذِي	أَنْعَمَهُ	مُنْهَمِرَةً
آن	او	خدا	که	نعمت‌هایش	ریزان

آن، همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.

ذُو	حِكْمَةٍ	بَالِغَةٍ	وَ	قُدْرَةٍ	مُقْتَدِرَةٍ
صاحب، دارای	دانش	کامل	و	توانایی	نیرومند

[خداوند] صاحب دانشی کامل و تواناییِ نیرومندی است.

أَنْظُرْ	إِلَى	الَّيْلِ	فَمَنْ	أَوْجَدَ	فِيهِ	قَمَرَهُ
نگاه کن	به	شب	پس چه کسی	پدید آورد	در آن	ماه

به شب نگاه کن پس چه کسی در آن ماه را پدید آورد؟

وَ	زَانَةً	بِأَنْجَمٍ	كَالدُّرِّ	الْمُنْتَشِرَةِ
و	زینت داد آن را	با ستاره‌ها	مانندِ مرواریدها	پراکنده

و آن را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده، زینت داد.

وَ أَنْظُرْ	إِلَى	الْغَيْمِ	فَمَنْ	أَنْزَلَ	مِنْهُ	مَطَرَهُ
و نگاه کن	به	ابر	پس چه کسی	نازل کرد	از آن	باران

و به ابر نگاه کن پس چه کسی از آن باران را نازل کرد (فرو فرستاد)؟

۱. الشَّاعِرُ: مَعْرُوفُ الرَّصَافِي، شَاعِرٌ عِرَاقِيٌّ مِنْ أَهْلِ كُرْدِيَّةِ النَّسَبِ وَ أُمُّ تُرْكُمَانِيَّةٍ، لَهُ أَثَارٌ كَثِيرَةٌ فِي النَّثْرِ وَ الشَّعْرِ.
شاعر: معروف رصافی، شاعری عراقی از پدري كردی‌الأصل و مادری تركمنی است. او آثار بسیاری در نثر و شعر دارد.

واژگان

فَرَاغ: جای خالی قَاعَة: سالن قُل: بگو مُسْتَعِرَة: فروزان مُسْتَعِين: یاری جوینده (مُسْتَعِيناً بِ: با کمک) مَطَار: فرودگاه مَعَ الْأَسْف: متأسفانه مُنْهَمِرَة: ریزان نَضِرَة: تر و تازه نَمَتْ: رشد کرد «مُؤَنَّثِ نَمَا» (ماضی: نَمَا / مضارع: يَنْمُو) يُخْرِج: درمی آورد (ماضی: أَخْرَجَ / مصدر: إِخْرَاج)	ذَا: این ← هَذَا «مَنْ ذَا: این کیست؟» ذات: دارای ذو، ذَا، ذِي: دارای ذَلِكَ: آن زَانَ: زینت داد (مضارع: يَزِينُ / مصدر: زَيْنَ) شَرَزَة: اخگر (پاره آتش، زبانه آتش) صَارَ: شد (مضارع: يَصِيرُ) صَعَّ: بگذار (وَضَعَ: گذاشت) ضِيَاء: روشنایی عَيَّنَ: مشخص کن (ماضی: عَيَّنَ / مضارع: يُعَيِّنُ) غُصُون: شاخه ها (مفرد: غُصْن) غَيِمَ: ابر	أَنْ ...: این که ... أَنْ أَسَافِرَ: که سفر کنم أَنْجَمَ: ستارگان (مفرد: نَجْم) أَنْزَلَ: نازل کرد (مضارع: يُنْزِلُ) أَنْعَمَ: نعمت ها أَوْجَدَ: پدید آورد (مضارع: يُوجِدُ) بَالِغ: کامل بَحَثَ: پژوهش (جمع: أَبْحَاث) تَرْجَمَ: ترجمه کن (ماضی: تَرْجَمَ / مضارع: يُتَرْجَمُ) تَعَاَزَفَ: آشنایی با همدیگر جَذْوَة: پاره آتش دَارَ: چرخید (مضارع: يَدْوِرُ: می چرخد) دَوَّرَ: مرواریدها (مفرد: دَوَّرَ)
---	---	---

متضاد	مترادف	لِسَان = لُغَة	شَرَزَة = جَذْوَة	رَقَدَ = نَامَ	غَيِمَ = سَحَاب	ضِيَاء = نور
		زبان	پاره آتش	خوابید	ابر	روشنایی
		مُجْتَهِد = مَجِدَّ	نَاجِح = مُوَفَّق = فَائِز	حَبِيب = صَدِيق	ثَمَر = فَاكِهَة	
		کوشا، تلاشگر	موفق، قبول شده، پیروز	دوست	میوه	
		بَيْع ≠ شِرَاء	بِدَايَة ≠ نِهَايَة	بَعِيد ≠ قَرِيب	حَزِين ≠ مَسْرُور	رَخِيس ≠ غَالِيَة
		فروش ≠ خرید	آغاز ≠ پایان	دور ≠ نزدیک	غمگین ≠ خوشحال	ارزان ≠ گران
		ضِيَاء ≠ ظَلَمَة	قَبِيح ≠ جَمِيل	لَيْل ≠ نَهَار	رَاسِب ≠ نَاجِح، فَائِز	مَمْنُوع ≠ مَسْمُوح
		روشنایی ≠ تاریکی	زشت ≠ زیبا	شب ≠ روز	مردود ≠ قبول، برنده	غیرمجاز ≠ مجاز
		حَبِيب ≠ عَدُوّ				
		دوست ≠ دشمن				
		أَحْجَار ← حَجَر	أَنْجَم، نُجُوم ← نَجْم	أَنْعَم، نِعَم ← نِعْمَة	أَلْوَان ← لَوْن	دَوَّر ← دَرَر
		سنگ	ستاره	نعمت	رنگ	مروارید
		غُصُون، أَغْصَان ← غُصْن	أَيَّام ← يَوْم	أَصْدِقَاء ← صَدِيق	عَقَارِب ← عَقْرَبَة	جَبَال ← جَبَل
		شاخه	روز	دوست	عقربه	کوه
		أَبْحَاث ← بَحَث	جُمَل ← جُمْلَة	أَفْعَال ← فِعْل		
		پژوهش	جمله	فعل		

قواعد

مروری بر قواعد دوره اول متوسطه

دوست عزیز ابتدا نگاهی به مطالب سال‌های گذشته می‌اندازیم، چون تمرین‌های درس اول برای یادآوری همان مطالب است.

❖ حرکات: فتحه (ـَ) و تنوین آن (ـِ) / کسره (ـِ) و تنوین آن (ـِ) / ضمه (ـُ) و تنوین آن (ـُ) / ساکن (ـْ)

۱- اسم

❖ کلمه بر سه نوع است ۲- فعل

۳- حرف

اسم

داشتن «آل» یا «تنوین ـِ»	مثال التَّلْمِیْذُ / تِلْمِیْذًا، الطَّالِبُ / طَالِبٌ، الْمُعَلِّمُ / مُعَلِّمٌ
نشانه‌های اسم	مضاف یا مضاف‌الیه بودن مثال کِتَابُ التَّلْمِیْذِ / کِتَابُ تِلْمِیْذٍ
	ساکن بودن حرفِ دَوَم در کلمات سه حرفی مثال حَمْدٌ، بَعْدٌ و ...

باید بدانیم که ضمائر «هو، ...»؛ اسم‌های اشاره «هذا، ...»؛ اسم‌های استفهام «أین، کیف، ...» جزو اسم‌ها هستند.

اسم از نظر جنس	مذکر	اسمی که در جانداران بر جنسِ نَر دلالت دارد یا می‌تواند بی‌جان باشد؛ مثال عَلِی، التَّلْمِیْذُ، کِتَابٌ و ...
	مؤنث	اسمی که در جانداران بر جنسِ ماده دلالت دارد یا می‌تواند بی‌جان باشد و علامت «ة / ة» داشته باشد؛ مثال الطَّالِبَةُ، مُعَلِّمَةٌ، الشَّجَرَةُ، یا بدون علامت باشد، مثال الأُمُّ (مادر)، الأُخْتُ (خواهر)، الْبِیْتُ (دختر)

اسم از نظر تعداد	مفرد: یک چیز یا یک شخص	بدون علامت	مثال کِتَابٌ: یک کتاب طَالِبٌ / طَالِبَةٌ: یک دانش‌آموز پسر / یک دانش‌آموز دختر
	مثنی: دو چیز یا دو شخص	علامت (اِ / یِ)	کتاب + اِ / یِ: کِتَابَانِ / کِتَابَتَانِ: دو کتاب طالِب + اِ / یِ: طَالِبَانِ / طَالِبَتَانِ: دو دانش‌آموز (دانش‌آموزان) پسر طالِبَة + اِ / یِ: طَالِبَتَانِ / طَالِبَتَانِ: دو دانش‌آموز (دانش‌آموزان) دختر
	جمع: بیش از دو چیز یا دو شخص	جمع مذکر سالم علامت (وِ / یِ)	طالِب + وِ / یِ: طَالِبُونَ / طَالِبَاتٌ: چند دانش‌آموز (دانش‌آموزان) پسر مَجَلَّة + اِ: مَجَلَّاتٌ: چند مجله (مجله‌ها) طالِبَة + اِ: طَالِبَاتٌ: چند دانش‌آموز (دانش‌آموزان) دختر
		جمع مؤنث سالم علامت (اِ)	
		بدون علامت و سَمَاعِی (شنیدنی)	طالِب: طُلَّابٌ - مَدْرَسَةٌ: مَدَارِسٌ - کِتَاب: کُتُبٌ

ویژه علاقمندان

آیا می‌دانید؟

❖ «شَمْس» (خورشید)، اَرْض (زمین)، رِیح (باد)، نار (آتش)، حَرْب (جنگ)، نَفْس (جان) و ... مؤنث‌اند.

❖ اسم شهرها «مَشْهَد، اِصفهان، ...» و کشورها «ایران، لبنان، ...» مؤنث هستند.

❖ مصدرهای بیش از سه حرف با «اِ» جمع بسته می‌شوند. مثال اِمْتِحَان: اِمْتِحَانَاتٌ / تَوَجَّه: تَوَجَّهَاتٌ

❖ جمع‌های مَكْسَر علامت خاصی ندارند و با شکستن و تغییرِ شکلِ مفرد بعضی از اسم‌ها ساخته می‌شوند، به خاطر همین به جمع‌های دیگر، سالم می‌گویند؛ چون با برداشتن علامت از آخرشان، مفرد آن‌ها سالم می‌ماند. البته چند وزن مانند «مَفَاعِل، مَفَاعِل، اَفْعَال، فَعَال، فُعْلَاء و ...» وجود دارند که بسیاری از جمع‌های مَكْسَر بر وزن آن‌ها ساخته می‌شوند. مثال مَكْتَب: مَكَاتِبُ / مِصْبَاح: مِصَابِیحُ / عَمَل: أَعْمَالُ / جَبَل: جِبَالُ / عَاقِل: عَقْلَاء و ...

اسم اشاره

در مورد اسم اشاره هم خواندیم که به طور کلی به «دور» و «نزدیک» تقسیم می‌شوند و برای اشاره کردن به اشیاء، مکان و اشخاص به‌کار برده می‌شوند.

اسم اشاره	نزدیک	مفرد	مذکر: هَذَا / ذَا (این) مؤنث: هَذِهِ (این)
		مثنی	مذکر: هَذَانِ، هَذَيْنِ (این دو، این‌ها) مؤنث: هَاتَانِ، هَاتَيْنِ (این دو، این‌ها)
		جمع	مذکر یا مؤنث: هَؤُلَاءِ (این‌ها)
	دور	مفرد	مذکر: ذَلِكَ / ذَاكَ (آن) مؤنث: تِلْكَ (آن)
		جمع	مذکر یا مؤنث: أُولَئِكَ (آن‌ها)

❖ اگر بعد از اسم اشاره، اسم «ال» دار بیاید، اسم اشاره چه مفرد باشد، چه مثنی و چه جمع، در هر صورت مفرد ترجمه می‌شود، ولی اگر اسم بعد از اسم اشاره بدون «ال» باشد، اسم اشاره به همان صورت ترجمه می‌شود.

مثال

هَؤُلَاءِ الطُّلَّابُ، نَاجِحُونَ: این دانش‌آموزان، موفق هستند.
أُولَئِكَ تَلَامِيذُ: آن‌ها، دانش‌آموز هستند.

ویژة علاقمندان

❖ برای اسم‌های جمعی که غیر انسان باشند از اسم اشاره مفرد مؤنث «هَذِهِ / تِلْكَ» استفاده می‌شود.

مثال هَذِهِ الْأَشْجَارُ، بَاسِقَةٌ: این درختان، بلند هستند.

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ: آن، آیات کتاب حکمت‌آمیز است.

ضمیر

در سال‌های گذشته خواندیم که ضمایر به دو دسته تقسیم می‌شوند
۱- ضمایر منفصل
۲- ضمایر متصل

شخص	ضمیر منفصل	ترجمه	ضمیر متصل	ترجمه
اول شخص مفرد	أَنَا	من	ي	ـَم - مرا
دوم شخص مفرد	أَنْتَ / أَنْتِ	تو	كَ / لَ	ـَت - تو را
سوم شخص مفرد	هُوَ / هِيَ	او	هَ، هِ، هَا	ـَش - او را
اول شخص جمع	نَحْنُ	ما	نا	ـَمان - ما را
دوم شخص جمع	أَنْتُمْ / أَنْتُنَّ	شما	كُم / كُنَّ	ـَتان - شما را
سوم شخص جمع	هُمْ / هُنَّ	آن‌ها / ایشان	هُمَّ / هُنَّ	ـَشان - ایشان را - آن‌ها را

❖ ضمایر منفصل (هُوَ، ... أَنْتَ، ... نَحْنُ): معمولاً اول جمله می‌آیند.

مثال

هُوَ عَلِيمٌ، او دانشمند است. أَنْتُمْ نَاجِحُونَ: شما موفق هستید. أَنَا مُجْتَهِدٌ: من کوشا هستم.

❖ ضمایر متصل (هَ، هِ، هَا، ... كَ، ... نا) به آخر هر سه نوع کلمه (اسم، فعل، حرف) می‌چسبند.

مثال

نَصْرُهُ: او را یاری کرد. کتابه: کتاب او (کتابش) إلیه: به سوی او (به سویش)

فعل

❖ فعل‌ها را از نظر زمان در جدول زیر ببینیم.

نام صیغه به فارسی	ضمیر	ماضی		مضارع		معادل ماضی استمراری	مستقبل
		مثبت	منفی	مثبت	منفی		
اول شخص مفرد	من ← أَنَا	كَتَبْتُ نوشتم	مَا كَتَبْتُ نوشتم	أَكْتُبُ می‌نویسم	لَا أَكْتُبُ نمی‌نویسم	كُنْتُ أَكْتُبُ می‌نوشتیم	سَأَكْتُبُ خواهم نوشت
دوم شخص مفرد	تو [أَنْتَ أَنْتِ]	كَتَبْتَ نوشتی	مَا كَتَبْتَ نوشتی	تَكْتُبُ می‌نویسی	لَا تَكْتُبُ نمی‌نویسی	كُنْتَ تَكْتُبُ می‌نوشتی	سَتَكْتُبُ خواهی نوشت
سوم شخص مفرد	او [هُوَ هِيَ]	كَتَبَ نوشته	مَا كَتَبَ نوشته	يَكْتُبُ می‌نویسد	لَا يَكْتُبُ نمی‌نویسد	كَانَ يَكْتُبُ می‌نوشت	سَيَكْتُبُ خواهد نوشت
اول شخص جمع	ما ← نَحْنُ	كَتَبْنَا نوشتیم	مَا كَتَبْنَا نوشتیم	نَكْتُبُ می‌نویسیم	لَا نَكْتُبُ نمی‌نویسیم	كُنَّا نَكْتُبُ می‌نوشتیم	سَنَكْتُبُ خواهیم نوشت
دوم شخص جمع	شما [أَنْتُمْ أَنْتُنَّ]	كَتَبْتُمْ نوشتید	مَا كَتَبْتُمْ نوشتید	تَكْتُبُونَ می‌نویسید	لَا تَكْتُبُونَ نمی‌نویسید	كُنْتُمْ تَكْتُبُونَ می‌نوشتید	سَتَكْتُبُونَ خواهید نوشت
		كَتَبْتُمْ نوشتید	مَا كَتَبْتُمْ نوشتید	تَكْتُبُونَ می‌نویسید	لَا تَكْتُبُونَ نمی‌نویسید	كُنْتُمْ تَكْتُبُونَ می‌نوشتید	سَتَكْتُبُونَ خواهید نوشت
		كَتَبْتُمْ نوشتید	مَا كَتَبْتُمْ نوشتید	تَكْتُبُونَ می‌نویسید	لَا تَكْتُبُونَ نمی‌نویسید	كُنْتُمْ تَكْتُبُونَ می‌نوشتید	سَتَكْتُبُونَ خواهید نوشت
سوم شخص جمع	ایشان [هُمَا هُمُ هُنَّ]	كَتَبُوا نوشتند	مَا كَتَبُوا نوشتند	يَكْتُبُونَ می‌نویسند	لَا يَكْتُبُونَ نمی‌نویسند	كَانُوا يَكْتُبُونَ می‌نوشتند	سَيَكْتُبُونَ خواهند نوشت
		كَتَبُوا نوشتند	مَا كَتَبُوا نوشتند	يَكْتُبُونَ می‌نویسند	لَا يَكْتُبُونَ نمی‌نویسند	كَانُوا يَكْتُبُونَ می‌نوشتند	سَيَكْتُبُونَ خواهند نوشت
		كَتَبُوا نوشتند	مَا كَتَبُوا نوشتند	يَكْتُبُونَ می‌نویسند	لَا يَكْتُبُونَ نمی‌نویسند	كَانُوا يَكْتُبُونَ می‌نوشتند	سَيَكْتُبُونَ خواهند نوشت

❖ در قواعد عربی برای ساختن فعلِ مستقبل از حرف «سَوْفَ» نیز استفاده می‌شود.
مثال سَوْفَ يَكْتُبُ: خواهد نوشت.

فعل امر

برای دستور دادن به کسی، از فعل امر استفاده می‌کنیم. فعل امر از مضارع دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع ساخته می‌شود.

روش ساختن فعل امر

- حرف «ت» را از ابتدای فعل مضارع حذف می‌کنیم.
- اگر اولین حرف ساکن (ء) باشد و حرکت حرف دوم ریشه (عين الفعل) «ت» باشد، اول فعل «أ» می‌آوریم.
- «ت» یا «ي» باشد، اول فعل، «إ» می‌آوریم.
- «ن» باشد، آن را حذف می‌کنیم به جز «نون جمع مؤنث» که ضمیر است و حذف نمی‌شود.

مثال

تَجَلَّسْ ← جُلِّسْ ← اجْلِسْ (بنشین)
تَجَلَّسَانِ ← اجْلِسَا (بنشینید)
تَجَلَّسْنَ ← اجْلِسْنَ (بنشینید، نون جمع مؤنث حذف نمی‌شود).
تَكْتُبْ ← أَكْتُبْ (بنویس)
تَجَلَّسِينَ ← اجْلِسِي (بنشین)
تَجَلَّسُونَ ← اجْلِسُوا (بنشینید، پس از حذف نون، به خاطر زیبایی، الف (ا) می‌گذاریم).
تَذْهَبُونَ ← اذْهَبُوا (بروید)

فعل نهی

با فعل نهی کسی را از انجام کار یا داشتن حالت باز می‌داریم.

روش ساختن فعل نهی

- حرف «لا» ی نهی، اول فعل مضارع می‌آید؛
«ت» باشد، ساکن (ء) می‌شود.
- آخر فعل اگر «ن» باشد، حذف می‌شود به جز «نون جمع مؤنث» که ضمیر است و حذف نمی‌شود.

مثال

- تَذْهَبُ ← لَا تَذْهَبُ (نرو)
تَذْهَبَانِ ← لَا تَذْهَبَانِ (نروید)
تَذْهَبِينَ ← لَا تَذْهَبِينَ (نروید، پس از حذف نون، به خاطر زیبایی، الف (ا) می آید).
تَذْهَبُونَ ← لَا تَذْهَبُونَ (نروید، پس از حذف نون، به خاطر زیبایی، الف (ا) می آید).

فعل نفی

- ❖ ماضی منفی: ما + فعل ماضی. **مثال** ذَهَبَ (رفت) ← نَفَى ما ذَهَبَ (نرفت)
❖ مضارع منفی: لا + فعل مضارع. حرف «لا» ی نفی، اول فعل مضارع می آید؛ آخر فعل را تغییر نمی دهد، ولی معنای آن را منفی می کند.
مثال تَذْهَبُ (می روی) ← نَفَى لا تَذْهَبُ (نمی روی)
تَذْهَبَانِ (می روید) ← نَفَى لا تَذْهَبَانِ (نمی روید)

ترکیب اضافی - ترکیب وصفی

- ❖ هرگاه دو اسم با هم خوانده شوند، معمولاً با دو ترکیب مواجهیم؛ یا ترکیب اضافی است که «مضاف و مضاف‌إلیه» دارد یا ترکیب وصفی است که «موصوف و صفت» دارد.
❖ در ترکیب اضافی، اسم اول را مضاف گویند که نه «ال» می گیرد و نه «تنوین (ـِ)» و اسم دوم را مضاف‌إلیه گویند که می تواند اسم خاص یا اسم «ال» دار یا ضمیر متصل یا اسم اشاره باشد.

مثال كِتَابٌ عَلِيٍّ (کتاب علی) / مَعْلَمٌ الْمَدْرَسَةِ (معلم مدرسه) / قَلَمٌ قَلَمٌ (قلم تو) / هَذَا التَّلْمِيزِ (قلم این دانش آموز)
مضاف مضاف‌إلیه مضاف مضاف‌إلیه مضاف مضاف‌إلیه مضاف مضاف‌إلیه

- ❖ در ترکیب وصفی هم دو اسم وجود دارد که معمولاً یا هر دو «ال» دارند یا هر دو بدون «ال» می باشند و تنوین (ـِ) دارند. اسم اول را که وصف می شود، موصوف و اسم دوم را که وصف می کند، صفت گویند. صفت از چهار جهت «جنس (مذکر یا مؤنث)، تعداد (مفرد، مثنی یا جمع بودن)، داشتن یا نداشتن «ال» و حرکت» شبیه موصوف است.

مثال التَّلْمِيزَةُ النَّاجِحَةُ (دانش آموز موفق) / كِتَابًا مُفِيدًا (کتابی مفید) / الْمُعَلِّمُونَ الْمُجِدُّونَ (معلمان کوشا)
موصوف صفت موصوف صفت موصوف صفت

- ❖ توجه داشته باشیم گاهی یک اسم، هم مضاف‌إلیه و هم صفت دارد. در فارسی، اول صفت برای اسم می آید و بعد مضاف‌إلیه، ولی در عربی، اول مضاف‌إلیه برای اسم می آید و بعد صفت.

مثال كِتَابِي الْمُفِيدِ (کتاب سودمند من) / بَيْتِكَ الْجَمِيلِ (خانه زیبای تو) / مَدْرَسَتُهُ الْكَبِيرَةُ (مدرسه بزرگ او)
مضاف‌إلیه صفت مضاف‌إلیه صفت مضاف‌إلیه صفت

وزن اسم

- ❖ وزن اسم‌هایی که ریشه فعلی دارند، براساس ریشه «ف-ع-ل» با اضافه کردن حروف اضافه و حرکت‌های آن اسم، به دست می آید:
کاتب ← وزن فاعِل مَخْلُوق ← وزن مَفْعُول أَعْلَم ← وزن أَفْعَل

- ❖ ترجمه اسم بر وزن «أَفْعَل» در جمله بعد از آن حرف «مِنْ» باشد: أَفْضَلُ مِنْ: برتر از
بعد از آن مضاف‌إلیه باشد: أَفْضَلُ النَّاسِ: برترین مردم

کلمات پرسشی

کلمات پرسشی عبارتند از: هَلْ / أ (آیا)، مَنْ (کیست، چه کسی)، لِمَنْ (برای کیست، مال چه کسی است)، مَا / ماذا (چیست، چه چیزی)، لِمَاذَا / لِمَ (برای چه، چرا)، بِمَاذَا / بِمَ (به چه چیزی، با چه چیزی)، أَيْنَ (کجا)، مِنْ أَيْنَ (از کجا، اهل کجا)، کَمَ (چند، چقدر)، مَتَى (کی، چه وقت)، کَيْفَ (چگونه)، أَيْ (کدام)، ... که برای پرسش از مخاطب به کار می روند.

موارد استفاده از کلمات پرسشی

کلمات پرسشی	نحوه پاسخگویی
«هَلْ / أ؟»	در جواب، «نعم (بله)» یا «لا (خیر)» گفته می‌شود و می‌توان جمله را طبق شرایط کلی مثبت یا منفی تکرار کرد. مثال هَلْ تَكْتُبُ دَرْسَكَ؟ (آیا درست را می‌نویسی؟) نَعَمْ، أَكْتُبُ دَرْسِي. (بله، درس را می‌نویسم.) / أ تَقْرَأُ الْمَجْلَّةَ؟ (آیا مجله می‌خوانی؟) لا، لا أَقْرَأُ الْمَجْلَّةَ. (نه، مجله نمی‌خوانم.) / لا، أَقْرَأُ الصَّحِيفَةَ. (نه، روزنامه می‌خوانم.)
«مَنْ؟»	در جواب، اسم شخص یا شغل او گفته می‌شود. مثال مَنْ هُوَ؟ (او کیست؟) هُوَ صَدِيقِي. (او دوستم است.) / هُوَ عَلِيٌّ. (او علی است.)
«لِمَنْ؟»	در جواب، اسم مالک آن چیز یا آن شخص گفته می‌شود. مثال لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيبَةُ؟ (این کیف مال کیست؟) لِحُسَيْنٍ / لِأَخِي / لِعَامِلِي. (مال حسین / مال برادرم / مال کارگرم است.)
«ما / ماذا؟»	در جواب، اسم شیء گفته می‌شود. مثال مَا هَذَا؟ (این چیست؟) هَذَا كِتَابٌ. (این کتاب است.) / ماذا تَقْرَأُ؟ (چه چیزی می‌خوانی؟) أَقْرَأُ مَجْلَّةً. (مجله می‌خوانم.)
«لِمَاذَا؟»	در جواب، با «لأنَّ / لِ» (برای این که، برای) عِلَّت گفته می‌شود. مثال لِمَاذَا تَدْرُسُ أَحَدَكَ؟ (برای چه خواهرت درس می‌خواند؟) لِلتَّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ. (برای موفقیت در زندگی.)
«بِمَاذَا / بِمَنْ؟»	در جواب، اسم آن چیز یا وسیله حمل و نقل گفته می‌شود. مثال بِمَاذَا كَتَبْتَ؟ (با چه چیزی نوشتی؟) بِالْقَلَمِ. (با قلم.) / بِمَاذَا جِئْتَ؟ (با چه چیزی آمدی؟) بِالسَّيَّارَةِ. (با خودرو.)
«أَيْنَ؟»	در جواب، شهر، کشور، مکان «فِي، أَمَامَ، تَحْتَ، فَوْقَ، هُنَاكَ...» گفته می‌شود. مثال أَيْنَ وَالذِّكُّ؟ (پدرت کجاست؟) وَالِدِي فِي طَهْرَانٍ. (پدرم در تهران است.)
«مِنْ أَيْنَ؟»	در جواب، اسم مکان، شهر یا کشوری ... که اهل آن جاست، گفته می‌شود. مثال مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ (تو از کجا هستی؟) مِنْ إِيْرَانٍ (از ایران)
«كَمْ؟»	از چند و مقدار پرسیده می‌شود و در جواب، تعداد (عدد) می‌آید. مثال كَمْ تَلْمِيزًا فِي الصَّفِّ؟ (چند دانش آموز در کلاس است؟) بِنْتَانِ تَلْمِيزَتَيْنِ (دو دانش آموز)
«مَتَى؟»	در جواب، زمان «الْيَوْمَ، أَمْسِي، لَيْلٍ، مَسَاءً، قَبْلَ، بَعْدَ، فِي الصَّبَاحِ و...» گفته می‌شود. مثال مَتَى تَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟ (کی به مدرسه می‌روی؟) أَذْهَبُ عِنْدَ الصَّبَاحِ. (هنگام صبح می‌روم.)
«كَيْفَ؟»	در جواب، حالت خود یا دیگران بیان می‌شود. مثال كَيْفَ حَالُكَ؟ (حالت چطور؟) أَنَا بَخِيرٌ (من خوبم.) / كَيْفَ جَاءَ عَلِيٌّ؟ (علی چگونه آمد؟) جَاءَ عَلِيٌّ مَسْرُورًا. (علی خوشحال آمد.) / كَيْفَ جِئْتَ؟ (چگونه آمدی؟) جِئْتُ عَاجِلًا (با عجله آمدم.)
«أَيَّ؟»	معمولاً از مکان یا زمان یا موقعیت چیزی پرسیده می‌شود. مثال فِي أَيِّ مَكَانٍ تُطَالِعُ؟ (در کدام مکان مطالعه می‌کنی؟) فِي الْمَكْتَبَةِ (در کتابخانه) / أَيَّ يَوْمٍ بَعْدَ السَّبْتِ؟ (کدام روز بعد از شنبه است؟) الْأَحَدَ (یک‌شنبه)

اعداد اصلی و ترتیبی

اعداد اصلی و ترتیبی را در پایه هشتم یاد گرفتیم، اکنون در حد شمارش مرور می‌کنیم و در درس دوم نکات بیش‌تری از آن‌ها را خواهیم خواند.

اعداد اصلی

مذکر	واحد	اثنان	ثلاث	أربع	خمس	ست	سبع	ثمانی	تسع	عشر	أحد عشر	اثنان عشر
مؤنث	واحدة	اثنتان	ثلاثة	أربعة	خمسة	ستة	سبعة	ثمانية	تسعة	عشرة	أحدى عشرة	اثنتا عشرة
ترجمه	یک	دو	سه	چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نه	ده	یازده	دوازده

اعداد ترتیبی

مذکر	الأول	الثاني	الثالث	الرابع	الخامس	السادس	السابع	الثامن	التاسع	العاشر	الحادي عشر	الثاني عشر
مؤنث	الأولى	الثانية	الثالثة	الرابعة	الخامسة	السادسة	السابعة	الثامنة	التاسعة	العاشرة	الحادية عشرة	الثانية عشرة
ترجمه	یکم	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم

ساعت

❖ ساعت را قبلاً یاد گرفتیم، سؤال آن: «کَمِ السَّاعَةُ الْآنَ؟ (الآن ساعت چند است؟) و جواب آن با توجه به ساعت، می تواند این ها باشد: الواحدة (۱:۰۰)، الثَّانِيَّة (۲:۰۰)، الثَّلَاثَة (۳:۰۰)، الرَّابِعَة (۴:۰۰)، الْخَامِسَة (۵:۰۰)، السَّادِسَة (۶:۰۰)، السَّابِعَة (۷:۰۰)، الثَّامِنَة (۸:۰۰)، التَّاسِعَة (۹:۰۰)، الْعَاشِرَة (۱۰:۰۰)، الْحَادِيَّة عَشْرَة (۱۱:۰۰) و الثَّانِيَّة عَشْرَة (۱۲:۰۰) که می توان به آخر آن ها «تماماً» را اضافه کرد.

مثال کَمِ السَّاعَةُ الْآنَ؟ الثَّانِيَّة عَشْرَة تماماً (۱۲ تمام).

❖ برای «۱۵ دقیقه، ۳۰ دقیقه و ۴۵ دقیقه» به ترتیب «الرَّبْع، النِّصْف و إِلَّا رُبْعاً» را به کار می بریم.

مثال کَمِ السَّاعَةُ الْآنَ؟



السَّابِعَة إِلَّا رُبْعاً: یک ربع به هفت (۶:۴۵)



الثَّامِنَة وَ النِّصْف: هشت و نیم (۸:۳۰)



السَّادِسَة وَ الرَّبْع: شش و ربع (۶:۱۵)

روزهای هفته

السَّبْت (شنبه)، الْأَحَد (یکشنبه)، الْإِثْنَيْنِ (دوشنبه)، الثَّلَاثَاء (سهشنبه)، الْأَرْبَعَاء (چهارشنبه)، الْخَمِيس (پنجشنبه)، الْجُمُعَة (جمعه)

فصلهای سال

الرَّبِيع (بهار)، الصَّيف (تابستان)، الْخَرِيف (پاییز)، الشَّتَاء (زمستان)

رنگ های اصلی

أَبْيَض (سفید)، أَسْوَد (سیاه)، أَخْضَر (سبز)، أَحْمَر (سرخ)، أَصْفَر (زرد)، أَزْرَق (آبی)

دوست عزیز، امیدوارم برای پاسخ به سؤالات آماده شده باشید. اگر هم نتوانستید، لازم است چند بار مطالب و توضیحات را مرور کنید تا توانایی پاسخ به تمرینات و سؤالات را به دست آورید.

مکالمه

جَوَارُ (التَّعَاوُفُ فِي مَطَارِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ)

گفتگو (آشنایی در فرودگاه نجف اشرف)

زائِر مَرَقَدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (زائر (زیارت کننده) آرامگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام)	أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ (یکی از کارمندان در سالن فرودگاه)
الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ. (درود بر شما.)	وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. (درود و رحمت خداوند و برکاتش بر شما باد.)
صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي. (صبح به خیر ای برادرم.)	صَبَاحَ التَّوَرِ وَ الشُّرُورِ. (صبح [شما] پر از نور و خوشی باد.)
كَيْفَ حَالُكَ؟ (حالت چطور است؟)	أَنَا بِخَيْرٍ وَ كَيْفَ أَنْتَ؟ (من خوبم و تو چطوری؟)
بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ. (خوبم، شکر خدا)	عَفْوَاً، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ (ببخشید، تو اهل کجا هستی؟ (تو از کجایی؟))
أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ. (من از جمهوری اسلامی ایران هستم.)	مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ (اسم شریف چیست؟)
إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ (اسم من حسین است و اسم شریف تو چیست؟)	إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ. (اسم من عبدالرحمان است.)
هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيْرَانٍ حَتَّى الْآنَ؟ (آیا تا به حال به ایران سفر کردی؟)	لَا: مَعَ الْأَسْفِ لِكُنِّي أَحِبُّ أَنْ أَسَافِرَ. (نه؛ متأسفانه. اما دوست دارم که سفر کنم.)
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيْرَانٍ! (اگر خدا بخواهد به ایران سفر می کنی!)	إِنْ شَاءَ اللَّهُ: إِلَى اللَّقَاءِ مَعَ السَّلَامَةِ. (اگر خدا بخواهد؛ به امید دیدار؛ به سلامت.)
فِي أَمَانٍ اللَّهُ. (در پناه خدا.)	فِي أَمَانٍ اللَّهُ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي. (در پناه خدا و حفظ او باشی، ای دوستم.)

تمارین کتاب درسی

تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَ، وَ اكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ. (این جمله‌ها را ترجمه کن و نوع فعل‌ها را بنویس.)

اُكْتُبْ رِسَالَتَكَ.	نامه‌ات را بنویس.	لا تَكْتُبْ عَلَى الْجِدَارِ.	روی دیوار ننویس.
اُكْتُبْ: فعل امر		لا تَكْتُبْ: فعل نهی	
اُكْتُبُوا وَاجِبَاتِكُمْ.	تکلیف‌هایتان را بنویسید.	هُنَّ لَا يَكْتُبْنَ بِسُرْعَةٍ.	ایشان با سرعت (باعجله) نمی‌نویسند.
اُكْتُبُوا: فعل امر		لا يَكْتُبْنَ: مضارع منفی (نفی)	
سَأَكْتُبُ دَرَسِي.	درس‌م را خواهم نوشت.	إِنَّا سَوْفَ نَكْتُبُ أَبْحَاثًا.	به راستی ما پژوهش‌هایی را خواهیم نوشت.
سَأَكْتُبُ: فعل مستقبل		سَوْفَ نَكْتُبُ: فعل مستقبل	
مَا كَتَبْتُمْ تَمَارِينَكُمْ.	تمرین‌هایتان را ننوشتید.	كَانُوا يَكْتُبُونَ بِدَقَّةٍ.	بادقت می‌نوشتند.
مَا كَتَبْتُمْ: ماضی منفی (نفی)		كَانُوا يَكْتُبُونَ: معادل ماضی استمراری	

۱۶

آموزش | درس اول

التَّمرين الثاني

صَّغْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةً وَاحِدَةً زَائِدَةً» (در دایره عدد مناسب را بگذار. «یک کلمه اضافه است.»)

- ۱- الشَّوْرَةُ (اخگر) الف: مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ. (از سنگ‌های زیبای گران‌قیمت که سفیدرنگ است.)
- ۲- الشَّمْسُ (خورشید) ب: جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَةً، فِيهَا ضِيَاءٌ وَبِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ. (پاره آتشش فروزان است، در آن روشنایی است و گرمایش پراکنده است.)
- ۳- الْقَمَرُ (ماه) ج: كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ. (سیاره‌ای که به دور زمین می‌چرخد؛ نورش از خورشید است.)
- ۴- الْأَنْعُمُ (نعمت‌ها) د: بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ. (بخاری فشرده در آسمان که از آن باران می‌بارد.)
- ۵- الْغَيْمُ (ابر) هـ: مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ. (از لباس‌های زنانه با (دارای) رنگ‌های گوناگون)
- ۶- الْفَسْتَانُ (پیراهن زنانه) و: قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ. (پاره‌ای از آتش)
- ۷- الدَّرَزُ (مرواریدها)

پاسخ:

- ۱- (و) ۲- (ب) ۳- (ج) ۴- (اضافه آمده است.) ۵- (د) ۶- (هـ) ۷- (الف)

التَّمرين الثالث

صَّغْ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ التَّرَاكِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (این جمله‌ها و ترکیب‌ها را در جای مناسبش قرار بده.)

هَؤُلَاءِ فَائِزَاتُ / هَؤُلَاءِ الدَّلِيلَانِ / تِلْكَ الْبَطَّارِيَةُ / أُولَئِكَ الصَّالِحُونَ / هَؤُلَاءِ الْأَصْدِقَاءُ / هَاتَانِ رُجَا جَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنی مذکر	مثنی مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
تِلْكَ الْبَطَّارِيَةُ	هَؤُلَاءِ الدَّلِيلَانِ	هَاتَانِ رُجَا جَتَانِ	أُولَئِكَ الصَّالِحُونَ	هَؤُلَاءِ فَائِزَاتُ	هَؤُلَاءِ الْأَصْدِقَاءُ
آن باتری	این دو راهنما	این‌ها دو شیشه هستند.	آن درستکاران	این‌ها برندگان هستند.	این دوستان

التَّمرين الرابع

اُكْتُبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ. (وزن کلمات زیر و حروف اصلی آن‌ها را بنویس.)

- ۱- نَاصِر، مَنصُور، أَنْصَار: وزن‌شان به ترتیب «فَاعِل، مَفْعُول، أَفْعَال» و ریشه آن‌ها «ن ص ر» است.
- ۲- صَبَّار، صَبُور، صَابِر: وزن‌شان به ترتیب «فَعَّال، فَعُول، فَاعِل» و ریشه آن‌ها «ص ب ر» است.

﴿التَّمَرُّنُ الْخَامِسُ﴾ ضَعِ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي الْفَرَاغِ الْمُنَاسِبِ. (مترادفها و متضادها را در جای خالی مناسب بگذار.) = ≠

ضیاء / نام / ناچ / مسرور / قریب / جمیل / نهاییه / یمین / غالیة / شراء / مسموح / مجذ

زَخِیصَة ≠ غَالِیَة ارزان ≠ گران	رَاسِب ≠ نَاجِح مردود ≠ قبول	یَسَار ≠ یَمِین چپ ≠ راست	بَیْع ≠ شِراء فروش ≠ خرید
بِدَايَة ≠ نِهَائِیَة آغاز ≠ پایان	بَعِيد ≠ قَرِيب دور ≠ نزدیک	رَقَدَ = نَام خوابید	قَبِیح ≠ جَمِیل زشت ≠ زیبا
نور = ضِیاء روشنایی	حَزین ≠ مَسْرور غمگین ≠ خوشحال	مُجْتَهِد = مُجَذ تلاشگر، کوشا	مَمْنوع ≠ مَسْمُوح غیرمجاز ≠ مجاز

﴿التَّمَرُّنُ السَّادِسُ﴾ اَرَسُمُ عَقَارِبِ السَّاعَاتِ. (عقربه‌های ساعت‌ها را بکش.)



التَّاسِعَةُ إِلَّا رُبْعاً

یک ربع مانده به نه (هشت و چهل و پنج دقیقه)



الثَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ

هشت و نیم (هشت و سی دقیقه)



الخَامِسَةُ وَ الرُّبْعُ

پنج و ربع (پنج و پانزده دقیقه)

﴿التَّبَحُّثُ الْعِلْمِيُّ (پژوهش علمی)﴾

إِنِّحْتُ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ أَوْ جَمَلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظَمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرَجَّمُهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ مُسْتَعِيناً بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ. در اینترنت یا کتابخانه متنی کوتاه یا جمله‌هایی به زبان عربی دربارهٔ بزرگی و عظمت آفریده‌های خداوند جست و جو کن (پیدا کن). سپس آن را با کمک واژه‌نامهٔ عربی- فارسی، به فارسی ترجمه کن.

جِبَالٌ كَبِيرُكُوه فِي مَدِينَةِ بَدْرَةِ بِمَحَافِظَةِ إِيْلَام
کوه‌های کبیرکوه در شهر بدره در استان ایلام

﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾ آل عمران: ۱۹۱

«و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند و [می‌گویند] پروردگارا! این [ها] را بیهوده نیافریدی.»



اول

پرسش‌های چهار گزینه‌ای درس

واژگان

■ أَجِبِ الْأَسْئَلَةَ عَنِ الْمُفْرَدَاتِ وَ الْجَوَارِ

- ۱- «إِعْلَمْ أَنَّ نِعَمَ اللَّهِ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ مُنْهَمِرَةٌ!» عَيْنِ الصَّحِيحِ لَتَرْجَمَةِ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:
(۱) فروزان (۲) کامل (۳) ریزان (۴) پخش شده
- ۲- «كَانَتْ جَدْوَةُ الشَّمْسِ فِي وَسْطِ السَّمَاءِ مُسْتَعِرَةً!» عَيْنِ الصَّحِيحِ لَتَرْجَمَةِ كَلِمَتَيْنِ «جَدْوَةٌ / مُسْتَعِرَةٌ» فِي الْإِبَارَةِ:
(۱) روشنائی / اخگر (۲) پاره آتش / فروزان (۳) گرما / روشن (۴) حرارت / پراکنده
- ۳- «بَنْظُرُ الرَّجُلِ إِلَى أَنْجَمٍ كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ فِي اللَّيْلِ!» عَيْنِ الصَّحِيحِ لَتَرْجَمَةِ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:
(۱) پخش شده (۲) نورانی (۳) آتشین (۴) انباشته
- ۴- «اللَّهُ أَوْجَدَ الشَّمْسَ فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ!» عَيْنِ الْخَطِّ لَتَرْجَمَةِ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:
(۱) زبانه آتش (۲) روشنی آتش (۳) پاره آتش (۴) اخگر
- ۵- «..... مِنْ الْمَلَابِسِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ الَّتِي تَلْبِسُهَا النِّسَاءُ!» عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ:
(۱) السَّرَوَالُ (۲) الْعَبَاءُ السَّودَاءُ (۳) الْفُسْتَانُ (۴) الْقَمِيصُ
- ۶- «اللَّهُ أَنْزَلَ مِنْهُ الْمَطَرَ!» عَيْنِ الصَّحِيحِ:
(۱) الشَّرَرَةُ (۲) الْجَدْوَةُ (۳) الْغَيْمُ (۴) الصَّيَاءُ
- ۷- أَيُّ كَلِمَةٍ لَا تُنَاسِبُ كَلِمَةَ «الشَّمْسُ»؟
(۱) الشَّرَرَةُ (۲) النَّصْرَةُ (۳) الْحَرَارَةُ (۴) الْجَدْوَةُ
- ۸- عَيْنِ الْخَطِّ عَنْ تَنَاسُبِ الْكَلِمَاتِ فِي الْجُمْلِ:
(۱) اللَّيْلُ ضَوْءٌ! (۲) الشَّمْسُ مُسْتَعِرَةٌ! (۳) الْأَنْعَمُ مُنْهَمِرَةٌ! (۴) الْعَصُونُ نَصِيرَةٌ!
- ۹- «ذَهَبْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي إِلَى الْجَبَلِ أَنْ سَتَرَ كُلَّ السَّمَاءِ وَ تَسَاقَطَ الْمَطَرُ!» عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ:
(۱) الشَّرَرَةُ (۲) النَّجْمُ (۳) الْغَيْمُ (۴) الْجَوُّ
- ۱۰- «..... هُوَ الْخَجَرُ الْجَمِيلُ الْغَالِي ذَاتُ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ!» عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ:
(۱) الْفِصَّةُ (۲) الْقَمَرُ (۳) الدَّهَبُ (۴) الدَّرُّ
- ۱۱- «..... يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ وَ نَنْظُرُهُ فِي اللَّيْلِ!»
(۱) الشَّمْسُ (۲) النَّجْمُ (۳) الْغَيْمُ (۴) الْقَمَرُ
- ۱۲- عَيْنِ الْخَطِّ لِلْفَرَاغِ: «إِنَّ أَغْلَبَ النَّاسِ فِي إِيْرَانِ يَأْكُلُونَ فِي الْفُطُورِ!»
(۱) الْحَلِيبُ (۲) الْخَبَرُ (۳) الرِّبْدَةُ (۴) الرَّرُّ
- ۱۳- «الْغَيْمُ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ!» عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ:
(۱) بَحَارٌ - الثَّلَجُ (۲) رِيحٌ - الْمَطَرُ (۳) قِطْعَةٌ - السَّحَابُ (۴) دُرٌّ - النَّجْمُ
- ۱۴- «أَنَا أَقِيمُ الصَّلَاةَ وَ أَصُومُ لِأَنَّهُمَا مِنَ الْفَرَائِضِ!»
(۱) پرهیزگارترم - وظیفه دینی (۲) روزه می‌گیرم - وظیفه‌ها (۳) روزه می‌گیرم - واجبات دینی (۴) پرهیز می‌کنم - واجب دینی
- ۱۵- «أَيُّ عِبَارَةٍ خَطٌّ حَسَبَ مَا قَرَأْتَ حَتَّى الْآنَ؟»
(۱) الشَّرَرَةُ، قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ! (۲) الْوَاحِدُ مِنَ الْأَعْدَادِ التَّرْتِيبِيَّةِ! (۳) الدَّوْرُ الْوَاحِدُ مِنْ عَقَارِبِ السَّاعَةِ، إِثْنَتَا عَشْرَةَ سَاعَةً! (۴) الْأَتْمَانِيَّةُ مِنَ الْأَعْدَادِ الْأَصْلِيَّةِ!
- ۱۶- «أَيُّ مُنْتَخَبٍ كَلِمَاتُهُ تَتَنَاسَبُ فِي الْمَعْنَى؟»
(۱) حاسوب - طیار - بائع (۲) آب - رجل - أخ (۳) مُخْتَبَرٌ - مَطْعَمٌ - مَلْعَبٌ (۴) عَنَبٌ - جُبْنَةٌ - زُمَانٌ

۱۷- عَيْنِ الْخَطَا عَنْ مُتَضَادِّ الْكَلِمَاتِ:

(۱) بَيْعٌ ≠ شِرَاءٌ (۲) غَالِي ≠ رَخِيسٌ (۳) حَزِينٌ ≠ مَسْرُورٌ (۴) نَامٌ ≠ رَقْدٌ

۱۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنْ مُتَرَادِفِ الْكَلِمَاتِ:

(۱) خَلَقَ = أَوْجَدَ (۲) الثَّمَرَةُ = الشَّرَرَةُ (۳) ذَا = ذَاكَ (۴) نَاجِحٌ = رَاسِبٌ

۱۹- فِي أَيِّ عِبَارَةٍ مَاجَاءَ الْمُتَضَادُّ؟

(۱) مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ!
(۲) اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ مِنَ الْخَيْرِ أَوْ الشَّرِّ!
(۳) الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ... جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ!
(۴) اللَّهُ أَنْزَلَ الْمَطَرَ مِنَ السَّمَاءِ!

۲۰- عَيْنِ الْخَطَا عَنْ مُفْرَدِ الْكَلِمَاتِ:

(۱) أَبْحَثَ ← بَحَثَ (۲) مَفَاتِيحٌ ← مِفْتَاحٌ (۳) أَبْوَابٌ ← بَابٌ (۴) أَنْجَمَ ← نُجُومٌ

۲۱- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهَا جَمْعُ التَّكْسِيرِ (جمع مكسر):

(۱) طُولٌ قَامَةٌ الزَّرَافَةُ بَيْتُهُ أَمْتَارًا! (۲) هُمْ وَجَدُوا مِفْتَاحَهُمْ!
(۳) الْفُسْتَانُ ذَاتُ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ! (۴) ذَهَبَ إِخْوَانِي إِلَى التَّجَفِّ الْأَشْرَفِ!

۲۲- «فِي جَوَابِ الشَّخْصِ الَّذِي يَسْأَلُنِي: كَيْفَ أَنْتَ؟ أَقُولُ:.....»

(۱) أَنَا أَذْهَبُ إِلَى التَّجَفِّ الْأَشْرَفِ! (۲) بِخَيْرٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ!
(۳) صَبَاحَ الْخَيْرِ! (۴) عَفْوًا، كَيْفَ حَالُكَ؟!

ترجمه و مفهوم

■ عَيْنِ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ

۲۳- «لَا تَنْظُرُوا إِلَى الشَّمْسِ الْمُسْتَعْرَةِ إِلَّا عِنْدَ طُلُوعِهَا أَوْ غُرُوبِهَا!»:

(۱) به خورشید نورانی جز هنگام طلوعش و غروبش نگاه نکنید!
(۲) هنگام طلوع یا غروب خورشید فروزان به آن نگاه نمی‌کنید!
(۳) به خورشید فروزان نگاه نکنید مگر هنگام طلوعش یا غروبش!
(۴) نباید جز هنگام طلوع و غروب به خورشید فروزان نگاه کنید!

۲۴- «زَانَتِ الْأُمُّ بَيْتَهَا بِدِقَّةٍ نَافَةٍ!»:

(۱) مادر او منزلش را با دقتی کامل زینت داد!
(۲) مادر منزلش را با دقتی کامل زینت داد!
(۳) مادر منزلش را با دقتی کامل زینت می‌دهد!
(۴) مادرش منزل را با دقتی کامل زینت داد!

۲۵- «تَدَوَّرُ الْأَرْضُ حَوْلَ الشَّمْسِ وَ يَنْتَفِعُ كُلُّ الْمَوْجُودَاتِ بِحَرَارَتِهَا وَ نَوْرِهَا!»:

(۱) زمین در اطراف خورشید چرخید و هر موجودی از حرارت و نورش بهره می‌برد!
(۲) خورشید در اطراف زمین می‌چرخد و همه موجودات از نور و حرارت آن بهره می‌برند!
(۳) زمین پیرامون خورشید می‌چرخد و همه موجودات از حرارت آن و نورش بهره می‌برند!
(۴) خورشید پیرامون زمین چرخید و موجودات همه‌شان از نور و حرارتشان بهره می‌برند!
(۱) از دو دروازه وارد این ساختمان شدند و از درِ اول خارج نشدند بلکه از درِ آخر خارج شدند!
(۲) در این ساختمان دو در برای ورود است و درِ اول برای خروج نیست بلکه از درِ دیگر آن خارج شوید!
(۳) از دو در وارد این ساختمان شوید و از یک در خارج نشوید بلکه از درِ آخری آن خارج شوید!
(۴) از دو دروازه به این ساختمان وارد شوید و از درِ اول خارج نشوید بلکه از درِ دیگر آن خارج شوید!

۲۷- «وَ مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»:

(۱) به خدا ظلم نکردند ولی به خودشان ظلم کردند!
(۲) خدا به آن‌ها ظلم نکرد ولی خودشان هم ظلم می‌کنند!
(۳) خدا به آن‌ها ستم نکرد ولی به خودشان ستم می‌کردند!
(۴) خدا به آن‌ها ستم نکرد ولی به خودشان ستم می‌کنند!

۲۸- «كَانَ الْمُؤَطَّفُ يَطْلُبُ مِنَ الزَّائِرِينَ أَنْ يَدْخُلُوا فِي الْمَطَارِ!»:

(۱) کارمند از زیارت‌کنندگان می‌خواهد که وارد فرودگاه شوند!
(۲) خواسته کارمند از زیارت‌کنندگان این بود که داخل فرودگاه شوند!
(۳) کارمند از زائران می‌خواست که وارد فرودگاه شوند!
(۴) کارمند از زائر می‌خواست که از فرودگاه داخل شود!

۲۹- «هَذَانِ الطَّالِبَانِ يَكْتَبَانِ تَمَارِينَهِمَا فِي مَكْتَبَةِ الْمَدْرَسَةِ!»:

(۱) این‌ها دو دانش‌آموز هستند که تمرینشان را در کتابخانه مدرسه می‌نویسند!
(۲) این‌ها دو دانش‌آموز هستند و تمرین‌هایشان را در کتابخانه می‌نویسند!
(۳) این دانش‌آموزان، تمریناتشان را در کتابخانه مدرسه نوشتند!
(۴) این دو دانش‌آموز، تمرین‌هایشان را در کتابخانه مدرسه می‌نویسند!

۳۰- «لِمَاذَا تَخْتَبِرُ الطَّالِبَاتُ فِي الْمُخْتَبَرِ وَلَكِنْ لَا يَصِلُنَّ إِلَى النَّتِيجَةِ؟!»:

- (۱) برای چه دانش‌آموزان در کارگاه آزمایش می‌کنند ولی نتیجه نگرفتند؟! (۲) چرا دانش‌آموزان در آزمایشگاه آزمایش می‌کنند ولی به نتیجه نمی‌رسد؟! (۳) چرا دانش‌آموز با آزمایشات در آزمایشگاه به نتیجه نمی‌رسد؟! (۴) برای چه آزمایش‌های این دانش‌آموزان به نتیجه نمی‌رسد؟!

۳۱- «أَلَا تَنْتَسِي وَاجِبَكَ وَتُسَاعِدُ بِالْوَالِدَيْنِ؟!»:

- (۱) آیا وظایف‌ها را فراموش نمی‌کنی و به پدر و مادرت کمک می‌کنی؟! (۲) آیا وظایف خود را فراموش نکردی و پدر و مادر را کمک کردی؟! (۳) آیا وظیفه خود را فراموش نمی‌کنی و به پدر و مادر کمک می‌کنی؟! (۴) آیا وظیفه کمک به پدر و مادر را فراموش نکرده‌ای؟!

۳۲- «این ستارگان مانند مرواریدهای پخش شده در آسمان شب، زیبا هستند!»:

- (۱) هذه النجوم جميلة في السماء الليل كالذَرَرِ المنتشرة! (۲) هؤلاء أنجم كالذَرَرِ الجميل منتشرة في سماء الليل! (۳) هذه الأنجم جميلة كالذَرَرِ المنتشرة في سماء الليل! (۴) هذه نجوم جميلة في سماء الليل كذَرَرِ المنتشرة!

۳۳- «يَنْظُرُ النَّاسُ إِلَى صَدَقِ حَدِيثِهِ وَادِّاءِ أَمَانَتِهِ إِضَافَةً إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِ وَصُومِهِ!»:

- (۱) مردم به راستی گفتار و برگرداندن امانت علاوه بر زیادی نماز و روزه‌اش نگاه می‌کنند! (۲) مردم به راستی سخنش و به‌جا آوردن امانتش علاوه بر بسیاری نماز او و روزه‌اش می‌نگرند! (۳) مردم به گفتار و سخن و برگرداندن امانت علاوه بر نماز و روزه‌اش نگرستانند! (۴) مردم سخن او و گفتارش را علاوه بر کمی نماز و روزه‌اش می‌نگرند!

۳۴- «سَأَلَ الْمُتَدَرِّسُ السُّؤَالَاتِ مِنَ التَّلْمِيزِ، كَانَ جَوَابُ أَحَدٍ مِنْهُمَا أَحْسَنَ مِنْ آخَرٍ!»:

- (۱) معلم سؤالی را از دانش‌آموزان پرسید، پاسخ یکی از آن‌ها بهتر از دیگری است! (۲) معلم از این دو دانش‌آموز سؤالی را پرسید، پاسخ یکی از دیگری بهتر بود! (۳) معلم از دانش‌آموزان سؤال کرد، یکی از آن دو، بهترین جواب را داد! (۴) معلم دو سؤال از دو دانش‌آموز پرسید، پاسخ یکی از آن‌ها بهتر از دیگری بود!

۳۵- عَيْنِ الْخَطَا:

- (۱) مَا نَجَحَ فَرِيقُنَا فِي كُرَةِ الْقَدَمِ! تِيمَ مَا دَرِ فُوتْبَالِ مُوَفَّقٍ نَشَدَا! (۲) كَانَ الطَّلَابُ يَبْحَثُونَ فِي الْإِنْتَرْنَتِ عَنِ الْجِبَالِ! دَانِشْ أَمُوزَانِ دَرِ اِيْنْتَرْنَتِ دِرْبَارَةُ كُوهَا پُژُوهِشْ مِیْ كَنْنَدَا! (۳) أَحِبُّ أَنْ أَذَرِّسَ! دُوسْتِ دَارَمْ كِهْ دَرِسْ بِخَوَانَمْ! (۴) إِنِّي مَا وَجَدْتُ الْيَأْسَ فِي الْكِبَارِ! بِهْ رَاسْتِي مِنْ نَاامِيدِي رَا دَرِ بَزَرْگَانِ نِیَافْتَمْ!

۳۶- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) اِعْمَلِي لِأَخْرَجِكَ كَمَا تَعْمَلِينَ لِذُنُوبِكِ! بَرایِ آخِرْتِ کار کن همان‌گونه که برای دنیایت کار می‌کنی! (۲) صَدِيقِي يَقُولُ مَا يَفْعَلُ! دُوسْتِ مِنْ چِیزِی رَا کِهْ مِیْ گُویَدِ اِنْجَامِ نَمِیْ دِهْدَا! (۳) «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ»: و مانند کسانی نباش که گفتند شنیدیم [در حالی که] آن‌ها نمی‌شنوند. (۴) «... وَ اكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ»: ... و برای ما در این دنیا و آن دنیا نیکی را بنویس.

۳۷- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) الْمُؤْمِنُونَ يَجَاهِدُونَ بِأَمْوَالِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ! مُؤْمِنَانِ بَا مَالِشانِ وَ جَانِشانِ دَرِ رَاهِ خُدا جِهَادِ مِیْ كَنْنَدَا! (۲) مُحَافِظَةُ جِيلَانَ خَضِرَةٍ وَ قَرِيبَةُ مِنَ الْبَحْرِ! اِسْتَانَ گیلانِ سَرَسِزِ وَ نَزْدِیکِ بِهْ دَرِیا اِسْتَا! (۳) يَشْغَلُ التَّلَامِيذُ بِبَيْعِ الصُّحُفِ! دَانِشْ أَمُوزَانِ بِهْ فُروِشِ رُوزْنامِهْ مِشْغُولِ مِیْ شُودِنْدَا! (۴) نَادَيْتُ أَخِي الْأَصْغَرَ لِكِتَابَةِ وَاجِبَاتِهِ! بَرَادَرِ كُوجَكِ تَرَمِ رَا بَرایِ نُوِشتنِ تَكْلِيفِها صَدا زِدَا!

۳۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) «وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»: و در آفرینش آسمان و زمین می‌اندیشند! (۲) «أَوْجَدَ اللَّهُ ذُو الْحِكْمَةِ الْبَالِغَةَ الْأَنْجَمَ»: خُداوندِ صَاحِبِ دَانِشِ کَامِلِ، سَتارگانِ رَا پَدِیدِ آوَرْدَا! (۳) «وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»: و کار نیکو انجام دادند؛ هِمَا نَا مِنْ بِهْ آن چِهْ مِیْ کَنْنَدَا، آگاهم! (۴) هَلْ تَكْتَبِينَ دُرُوسَكَ فِي أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ؟ آیا دَرِسْ هَیْتانِ رَا دَرِ رُوزْهایِ هَفْتِهْ مِیْ نُوِسیْدَا؟!

۳۹- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) أَحْصِدِ الزَّرْعَ وَ لَا تَبْعِدْ مِنْ فَعْلِهِ! کشت را درو کن و از انجامش دور نشو!
- (۲) كَانَ الرِّجَالُ يَمْلِكُونَ لِهَدْوِ أُسْرَتِهِمْ! مردان برای آرامش خانواده‌شان کار می‌کردند!
- (۳) أَشْجَعُ أَخِي الصَّغِيرِ فِي الْمَلْعَبِ! برادر کوچکم را در ورزشگاه تشویق می‌کنم!
- (۴) سَاعَدْتُ أَحَدَ أَصْدِقَائِي فِي أَدَاءِ وَاجِبَاتِهِ الدِّرَاسِيَّةِ! به یکی از دوستانم در به جا آوردن تکالیف درسی کمک کردم!

۴۰- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) «هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ»: او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید.
- (۲) «و لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ»: و حقیقتاً نه نشانه آشکار به موسی بخشیدیم.
- (۳) أَهْدَيْتُ الْكِتَابَ الْعَاشِرَ إِلَى مَكْتَبَةِ الْمَدْرَسَةِ! ده کتاب به کتابخانه مدرسه هدیه کردم!
- (۴) «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا»: همانا تعداد ماه‌ها نزد خداوند دوازده ماه است.

۴۱- عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) تَعَوَّدُ هَؤُلَاءِ الْمُعَلِّمَاتُ إِلَى مَدَارِسِهِنَّ بَعْدَ فَتْحِهَا! این معلمان بعد از باز شدن مدرسه‌شان برمی‌گردند!
- (۲) نَحْنُ نَنْسَى هَذِهِ الْأَشْجَارَ وَ نَقْطَعُهَا بَعْضُ الْأَوْقَاتِ! ما این درختان را فراموش می‌کنیم و بعضی وقت‌ها آن‌ها را می‌بریم!
- (۳) أُولَئِكَ هُمُ الَّذِينَ يَنْجَحُونَ فِي إِمْتِحَانِهِمْ! آنان همان کسانی هستند که در امتحاناتشان موفق می‌شوند!
- (۴) هَذَا الرَّجُلَانِ يَكْرَهُانِ الصُّيُوفَ فِي بَيْتِهِمَا! این‌ها دو مردند که میهمانان را در خانه‌شان گرامی می‌دارند!

۴۲- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْمَفْهُومِ فِي حَدِيثِ «الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ»:

- (۱) عالم بی‌عمل به چه ماند؟ به زنبور بی‌عسل!
- (۲) الْكَلَامُ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ!
- (۳) قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» يَضْفُ الْعِلْمُ!
- (۴) مَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ!

۴۳- عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ فِي حَدِيثِ «مَنْ زَرَعَ الْغُدُونَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ»:

- (۱) آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است، با دوستان مروّت با دشمنان مدارا!
- (۲) از بس که مهر دوست به دل جا گرفته است، جایی برای کینه دشمن نمانده است!
- (۳) جهان از بد و نیک آبستن است، برون دوست است و درون دشمن است!
- (۴) درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد، درخت دشمنی برکن که رنج بی‌شمار آرد!

درک مطلب

■ اِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ السُّؤَالَيْنِ بِمَا يُنَاسِبُ النَّصَّ

«صَبَّاحَ أَحَدِ الْأَيَّامِ كَانَ سَعِيدٌ يَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ وَ لَمَّا وَصَلَ إِلَى الْحَافِلَةِ رَأَى صَدِيقَهُ جَنْبَهَا وَاقِفًا وَ هُوَ لَا يَرْكَبُ! سَأَلَهُ لِمَاذَا وَقَفْتَ هُنَا؟ قَالَ لَهُ لِأَنِّي نَسِيتُ نُقُودِي مِنَ الْبَيْتِ وَ مَا عِنْدِي نُقُودٌ ثُمَّ أَعْطَاهُ سَعِيدٌ بِشَيْءٍ مِنْ نُقُودِهِ وَ ذَهَبَا إِلَى الْمَدْرَسَةِ مَعًا.»

۴۴- عَيْنُ الْخَطَا حَسَبَ النَّصِّ:

- (۱) سَعِيدٌ وَ صَدِيقُهُ مَا ذَهَبَا إِلَى الْمَدْرَسَةِ!
- (۲) سَاعَدَ سَعِيدٌ صَدِيقَهُ وَ أَعْطَاهُ نُقُودًا!
- (۳) سَأَلَ سَعِيدٌ صَدِيقَهُ عَنْ سَبَبِ وَقُوفِهِ!
- (۴) رَأَى سَعِيدٌ صَدِيقَهُ جَنْبَ الْحَافِلَةِ!

۴۵- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ النَّصِّ:

- (۱) كَانَ صَدِيقُ سَعِيدٍ يَنْسَى نُقُودَهُ دَائِمًا!
- (۲) سَعِيدٌ جَلَسَ جَنْبَ صَدِيقِهِ وَ سَأَلَهُ عَنْ حَالِهِ!
- (۳) كَانَ نُقُودُ سَعِيدٍ لِلْمُسَاعَدَةِ قَلِيلًا!
- (۴) كَانَ صَدِيقُ سَعِيدٍ لَا يَرْكَبُ دُونَ أَجْرَةٍ!

قواعد

■ عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ

۴۶- فِي أَيِّ عِبَارَةٍ الْأِسْمُ الْمُؤَنَّثُ أَكْثَرُ؟

- (۱) يَا صَدِيقِي، إِحْمِلْ هَذِهِ الْمِنْصَدَةَ!
- (۲) تَكْتُبُ مَرِيَمُ وَاجِبَاتِهَا فِي ثَلَاثِ سَاعَاتٍ!
- (۳) «وَ ادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ»
- (۴) الْفَاكِهَةُ تَضُمُّ سَلَامَةَ الْجِسْمِ!

۴۷- عَيْنُ الْجَمْعِ السَّالِمِ لِلْمُؤَنَّثِ (جَمْعُ مُؤَنَّثِ سَالِم):

- (۱) أَصَوَات
- (۲) أَوْقَات
- (۳) صَدَقَات
- (۴) أَبْيَات

۴۸- عَيْنِ الْجَمْعِ الْمَذَكَّرِ لِلْسَّالِمِ:

- (۱) يَعْمَلُ السَّائِقُ الْقَوَانِينَ! (۲) بَشَّرَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ...! (۳) يُسَاعِدُ النَّاسَ الْمَسَاكِينَ! (۴) أَجَابَ التَّلْمِيزُ التَّمَارِينَ!

۴۹- ما هُوَ السُّؤَالُ غَيْرُ الْمُنَاسِبِ عَنِ الْعِبَارَةِ؟ «أَسَافِرُ مَعَ أُسْرَتِي بِالسَّيَّارَةِ إِلَى إِصْفَهَانِ!»

- (۱) أَيْنَ تُسَافِرُ؟ (۲) بِمَنْ تَذْهَبُ إِلَى الشَّفْرِ؟ (۳) لِمَاذَا تُسَافِرُ؟ (۴) بِمَنْ تُسَافِرُ إِلَى إِصْفَهَانِ؟

۵۰- ما هُوَ الْجَوَابُ الْمُنَاسِبُ لِهَذَا السُّؤَالِ؟ «فِي أَيِّ فَصْلٍ تَذْهَبُ عِنْدَ الْأَقْرِبَاءِ؟»

- (۱) أَذْهَبُ إِلَى مَدْرَسَةِ أَحَدِ أَصْدِقَائِي لِلدَّرَاسَةِ فِي الْحَرِيفِ! (۲) أَذْهَبُ إِلَى بَيْتِ جَدَّتِي فِي الصَّيْفِ! (۳) أَنَا أَذْهَبُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ فِي فَصْلِ الشِّتَاءِ! (۴) أَذْهَبُ إِلَى الْأَقْرِبَاءِ عِنْدَ مَرَضِهِمْ!

۵۱- عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ السُّؤَالِ وَالْجَوَابِ فِي الْمَعْنَى أَوْ الْقَوَاعِدِ:

- (۱) كَمْ كِتَابًا فِي حَقِيبَتِكَ؟ لَيْسَ أَحَدُ الْكُتُبِ فِي حَقِيبَتِي! (۲) مَاذَا تَعْمَلُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ؟ أَقُومُ لِلصَّلَاةِ! (۳) مَاذَا تَأْكُلُونَ فِي الظُّهْرِ؟ أَكَلْنَا الْعَدَاءَ! (۴) مَا هُوَ لَوْنُ الْغُرَابِ؟ لَوْنُ الْغُرَابِ أَيْضًا!

۵۲- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) أَنْتُمْ خَرَجْتُمْ إِلَى قَاعَةِ مَدْرَسَتِكُمْ! (۲) هُمْ خَرَجُوا إِلَى قَاعَةِ مَدْرَسَتِهِمْ! (۳) أَنْتِ خَرَجْتَ إِلَى قَاعَةِ مَدْرَسَتِكَ! (۴) أَنَا خَرَجْنَا إِلَى قَاعَةِ مَدْرَسَتِنَا!

۵۳- عَيْنِ الصَّمِيرِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ عَنْ جَوَابِ السُّؤَالَاتِ:

- (۱) أَيْنَ مَدْرَسَتُكُمْ؟ مَدْرَسَتُنَا فِي شَارِعِ بَهَارَانَ! (۲) هَلْ وَالِدُكَ طَهْرَانِي؟ لَا، هُوَ أَهْوَزِي! (۳) مَتَى تَبْدَأُ أَنْتِ الدَّرَاسَةَ؟ أَنَا أَبْدَأُ الْيَوْمَ الْآتِي! (۴) مَنْ هَؤُلَاءِ اللَّاعِبُونَ؟ أَنْتُمْ مِنْ فَرِيقِنَا!

۵۴- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) هِيَ تَلْعَبُ مَعَ صَدِيقِهَا فِي الْحَدِيقَةِ! (۲) هُمَا يَلْبَسُونَ لِبَاسَ الْحَرْبِ وَ يَذْهَبُونَ لِلْقِتَالِ مَعَ الْعَدُوِّ! (۳) هُمْ يَجْعَلُونَ مَلَابِسَهُمْ فِي الْحَقِيبَةِ! (۴) نَحْنُ سَوْفَ أَكْتُبُ تَمَارِينَ الْكِتَابِ بِمُسَاعَدَةِ الْمُعَلِّمِ!

۵۵- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) أُولَئِكَ الْمُعَلِّمُونَ يَدْرُسُونَ الْعَرَبِيَّةَ بِشَكْلِ جَيِّدٍ! (۲) هَؤُلَاءِ الشَّجَرَةُ الثَّقَاخَةُ مُثْمِرَةٌ فِي كُلِّ عَامٍ! (۳) هَذِهِ الْقَلَمُ بِلَوْنٍ أَحْمَرَ وَ أَخْضَرَ! (۴) هَؤُلَاءِ الرُّجَّاجَتَانِ كَسَرَتَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ!

۵۶- عَيْنِ الْخَطَأِ عَنْ نَوْعِ الْأَفْعَالِ:

- (۱) لَا يَنْظُرُ: مُضَارِعٌ مَنْفَى (۲) سَوْفَ نَنْظُرُ: مُسْتَقْبَلٌ (۳) كَانُوا يَنْظُرُونَ: مُعَادِلٌ مَاضِيٍّ اسْتِمْرَارِي (۴) أَنْظُرُ: مَاضِيٌّ

۵۷- عَيْنِ الْفِعْلِ الْمَاضِي:

- (۱) أَنْتَنْ سَتَكْتُبَنَّ دُرُوسَكُنَّ! (۲) مَا بَحَثْتُمْ عَنْ أَصْدِقَائِكُمْ! (۳) اجْعَلِي كِتَابَكَ فِي مَحْفَظَتِكَ؟ (۴) أَرَسُمُوا عَقَارِبَ السَّاعَاتِ!

۵۸- عَيْنِ فِعْلِ النَّهْيِ:

- (۱) لَا تَكْتُبَا عَلَى الْجِدَارِ! (۲) مَا خَرَجْنَا مِنَ الْمَدْرَسَةِ! (۳) لَا تَفْرَحْ مِنْ مَرَضِ زَمِيلِكَ! (۴) الطَّالِبَةُ لَا تَجْلِسْ عَلَى الْمِنْصَدَةِ!

۵۹- ما هُوَ الْخَطَأُ عَنِ الْأَفْعَالِ؟

- (۱) لَا نَأْكُلُ الْعِشَاءَ فِي الصَّبَاحِ لِأَنَّا لَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَعْمَلَ جَيِّدًا! (فعل نفى، فعل نفى، فعل مضارع) (۲) لِمَ لَا تَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ لَا تَشْكُرُونَ خَالِقَهَا! (فعل مضارع منفى، فعل مضارع منفى) (۳) رَبَّنَا أَعْلَمْنَا أَنَّكَ مَا خَلَقْتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ عَبَثًا! (فعل ماضى، فعل نفى) (۴) أَنْظِرْ إِلَى اللَّيْلِ فَتَجِدْ فِيهِ السُّكُونَ! (فعل امر، فعل مضارع)

۶۰- عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ الْإِشَارَةِ؟

- (۱) أَجِبْ هَؤُلَاءِ التَّمَارِينَ! (۲) أُولَئِكَ بَيُوتُ حَرَبَةٍ! (۳) هَؤُلَاءِ الْمُؤْمِنَتَانِ تَعْبُدَانِ اللَّهَ! (۴) رَأَيْتُ هَؤُلَاءِ الْمُؤْمِنِينَ فِي الْمَسْجِدِ!

۶۱- ما هُوَ الصَّحِيحُ لِلْفَرَاعِينَ؟ «..... الْعَمَالُ يَذْهَبُونَ الشَّرَكَةِ!»

- (۱) هَؤُلَاءِ / تِلْكَ (۲) ذَلِكَ / هَذِهِ (۳) أُولَئِكَ / ذَلِكَ (۴) هَؤُلَاءِ / هَذِهِ

۶۲- ما هُوَ الصَّحِيحُ لِلْفَرَاعَاتِ؟ «..... الْأَخَوَاتُ وَاجِبٌ.....!»

- (۱) هَؤُلَاءِ / سَوْفَ تَكْتُبُ / هُنَّ (۲) تِلْكَ / سَوْفَ يَكْتُبُونَ / هُنَّ (۳) أُولَئِكَ / سَوْفَ يَكْتُبْنَ / هُنَّ (۴) هَذِهِ / سَوْفَ يَكْتُبُ / هُمْ

۶۳- عَيْنِ الْخَطَأِ عَنْ وَزْنِ الْكَلِمَاتِ وَ حُرُوفِهَا الْأَصْلِيَّةِ:

- (۱) مُخْتَلِفَةٌ: مُفْتَعِلَةٌ / خ ل ف (۲) أَفَاضِلُ: فَعَاعِلُ / ف ض ل (۳) مُطَهَّرٌ: مُفَعَّلٌ / ط ه ر (۴) غَفَّارٌ: فَعَالٌ / غ ف ر

۶۴- عَيْنُ الْخَطَا:

(۱) أَنْتُمْ تَنْصُرُونَ أَصْدِقَائَكُمْ! (۲) هُمْ يَنْصُرُونَ أَصْدِقَاءَهُمْ! (۳) أَنَا أَنْصُرُ أَصْدِقَائِي! (۴) أَنْتَنْ تَنْصُرَنْ صَدِيقَاتِكُنَّ!

۶۵- عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي فِيهَا صِفَةٌ وَ مُضَافٌ إِلَيْهِ مَعًا:

(۱) فِي حَدِيقَتِنَا وَرْدَةٌ جَمِيلَةٌ! (۲) لَيْسَ الْكَاذِبُ فَائِزًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ! (۳) الْكَلَامُ قَلِيلُهُ نَافِعٌ! (۴) وَجَدْتُ كِتَابًا مُفِيدًا فِي الْمَكْتَبَةِ!

۶۶- فِي أَيِّ عِبَارَةٍ لِلْإِسْمِ الْوَاحِدِ صِفَةٌ وَ مُضَافٌ إِلَيْهِ مَعًا؟

(۱) الْعَيْمُ بُخَارٌ مُتْرَاكُمٌ فِي السَّمَاءِ! (۲) أَلَذَّرُ مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ! (۳) إِنِّي أَحِبُّ إِخْوَانِي الْمُجِدِّينَ! (۴) أَفْضَلُ النَّاسِ الْمُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ!



۹۴

۱۴ = ۳ «من نماز را بر پا می‌دارم و روزه می‌گیرم زیرا این دو از واجبات دینی هستند.»

۱۵ = ۲ عدد «الواحد: یک» از اعداد اصلی است نه ترتیبی. سایر گزینه‌ها صحیح هستند: (۱) اخگر پاره‌ای از آتش است! (۳) یک دور از عقربه‌های ساعت، دوازده ساعت است! (۴) هشت از اعداد اصلی است.

۱۶ = ۳ هر سه در مورد مکان هستند: «آزمایشگاه، رستوران، ورزشگاه» در سایر گزینه‌ها عدم تناسب وجود دارد: (۱) «حاسبوب: رایانه» متناسب با «خلبان - فروشنده» که شغل هستند، نمی‌باشد. (۲) «رجل: پا» متناسب با «پدر - برادر» که از اعضای خانواده هستند، نمی‌باشد. (۴) «جُبنة: پنیر» متناسب با «انگور - انار» که میوه هستند، نمی‌باشد.

۱۷ = ۴ این دو کلمه مترادف هستند «نَامٌ = زَقْدٌ، خوابید». سایر گزینه‌ها صحیح هستند: (۱) فروش ≠ خریدن (۲) گران ≠ ارزان (۳) غمگین ≠ خوشحال

۱۸ = ۱ «خَلَقَ = أَوْجَدَ: آفرید، پدید آورد». سایر گزینه‌ها: (۲) «الْتَمَرَةُ: میوه» و «الشَّرَرَةُ: پاره آتش» با هم مترادف نمی‌باشند. (۳) «ذَا: این ≠ ذاك: آن» (۴) «نَاجِحٌ ≠ رَاسِبٌ: موفق، قبول ≠ مردود»

۱۹ = ۴ در سایر گزینه‌ها تضاد وجود دارد: (۱) «زَرَعَ: کاشت ≠ حَصَدَ: درو کرد» (۲) «الْخَيْرُ: خوبی ≠ الشَّرُّ: بدی» (۳) «الْظُّلُمَاتُ: تاریکی‌ها ≠ النُّورُ: روشنی»

۲۰ = ۴ مفرد «أَنْجُمٌ: ستارگان»، «نَجْمٌ» می‌باشد. «نُجُوم: ستارگان» خود جمع مکسر است. سایر گزینه‌ها صحیح هستند: (۱) أَبْحَاثُ: پژوهش‌ها (۲) مَفَاتِيحُ: کلیدها (۳) أَبْوَابُ: درها

۲۱ = ۲ جمع مکسر در سایر گزینه‌ها: (۱) «أَمْتَارٌ»، جمع مکسر و مفرد آن «مِتر» (۳) «الْأَلْوَانُ» جمع مکسر و مفرد آن «الْوَن» (۴) «إِخْوَانٌ» جمع مکسر و مفرد آن «أَخٌ: برادر»

۲۲ = ۲ «در جواب شخصی که از من می‌پرسد: تو چطوری؟ می‌گوییم: خوب هستم و سپاس برای خداست (خوب و شکر خدا)!» سایر گزینه‌ها مناسب جواب نیستند: (۱) من به نجف اشرف می‌روم! (۳) صبح به‌خیر! (۴) ببخشید، حال شما چطور است؟

۲۳ = ۳ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «لَا تَنْظُرُوا: نگاه نکنید» فعل مضارع نهی و جمع است. - أو: یا - «الْمُسْتَعْرَ» به معنی «فروزان» است.

۱ = ۳ «مُنْهَمَرَةٌ: ریزان». ترجمه عبارت: «بدان که نعمت‌های خداوند از آسمان به زمین ریزان است!»

۲ = ۲ «جَذْوَةٌ: پاره آتش» - «مُسْتَعْرَ: فروزان». ترجمه عبارت: «پاره آتش خورشید در وسط آسمان فروزان بود!»

۳ = ۱ «الْمُنْتَشِرَةُ: پخش شده، پراکنده». ترجمه عبارت: «مرد در شب به ستارگانی مانند مرواریدهای پخش شده نگاه می‌کند!»

۴ = ۲ «الشَّرَرَةُ: زبانه آتش، پاره آتش، اخگر». ترجمه عبارت: «خداوند خورشید را در هوا مانند پاره آتش / زبانه آتش / اخگر، پدید آورد!»

۵ = ۳ «الْفُسْتَانُ: پیراهن زنانه، از لباس‌های دارای رنگ‌های متنوعی که زنان آن را می‌پوشند!» سایر گزینه‌ها مناسب جای خالی نیستند: (۱) شلوار (۲) چادر مشکی (۴) پیراهن مردانه

۶ = ۳ «الْعَيْمُ: ابر». ترجمه عبارت: خداوند از آن باران نازل کرد (فروفرستاد)! سایر گزینه‌ها: (۱) پاره آتش، اخگر (۲) پاره آتش (۴) روشنایی

۷ = ۲ «الْتَضَرَّةُ: تر و تازه». سایر گزینه‌ها با «الشَّمْسُ: خورشید» تناسب دارند: (۱) پاره آتش (۳) حرارت (۴) پاره آتش

۸ = ۱ «شب، نور نیست بلکه ظُلْمَةٌ: تاریکی» است! سایر گزینه‌ها صحیح هستند: (۲) خورشید فروزان است! (۳) نعمت‌ها ریزان هستند! (۴) شاخه‌ها تر و تازه هستند!

۹ = ۳ «با دوستانم به کوه رفتم که ابر (الْعَيْم) همه آسمان را پوشاند و باران بارید!» سایر گزینه‌ها مناسب جای خالی نیستند: (۱) پاره آتش (۲) ستاره (۴) هوا

۱۰ = ۴ «مروارید (الدَّر) همان سنگ زیبای گران دارای رنگ سفید است!» سایر گزینه‌ها مناسب جای خالی نیستند: (۱) نقره (۲) ماه (۳) طلا

۱۱ = ۴ ترجمه عبارت: «ماه دور زمین می‌چرخد و آن را در شب می‌بینیم!»

۱۲ = ۴ «الزُّبُّ: برنج». ترجمه عبارت با سایر گزینه‌ها: «همانا بیش‌تر مردم در ایران، (۱) شیر، (۲) نان، (۳) کره را در صبحانه می‌خورند!»

۱۳ = ۱ «ابر، یخاری فشرده در آسمان است که از آن برف می‌بارد!» سایر گزینه‌ها مناسب جای خالی نیستند: (۲) بادی - باران (۳) تکه‌ای - ابر (۴) مرواریدی - ستاره

تست‌های کنکور سراسری

عَيْنُ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ

(تیم‌بی ۹۹)

۵۰۳- «الْفُشْلُ تَحْمَلُهُ صَعْبٌ وَلَكِنَّهُ يَخْلُقُ لَكَ فُرْصًا سَتَسْتَفِيدُ مِنْهَا لِلنَّجَاحِ!»:

- (۱) تحمل شکست دشوار است ولی شکست برای تو فرصتی را می‌آفریند که از آن در پیروزی استفاده می‌کنی!
- (۲) پذیرش شکست سخت است لکن موقعیت‌هایی برای تو خلق می‌شود که از آن برای پیروز شدن استفاده می‌کنی!
- (۳) شکست خوردن و پذیرش آن دشوار است اما موقعیت‌هایی که برای تو خلق می‌کند، از آن‌ها در پیروزی استفاده خواهی کرد!
- (۴) شکست تحملش سخت است ولیکن برای تو فرصت‌هایی می‌آفریند که از آن‌ها برای پیروز شدن استفاده خواهی کرد!

(ریاضی ۹۹)

۵۰۴- «قُوَّةُ هَذَا الْإِعْصَارِ تَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ عَلَى بُعْدِ مَائَتِي كِيلُومِتْرٍ مِنَ الْمَحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ!»:

- (۱) قدرت این گردباد ماهی‌ها را به مکانی دور، در فاصلهٔ دویست کیلومتری از اقیانوس اطلس می‌کشاند!
- (۲) چنین گردبادی با قدرت، ماهی‌ها را به مکان دور، در دویست کیلومتر دورتر از اقیانوس اطلس می‌اندازد!
- (۳) نیروی این طوفان ماهی‌ها را به‌سوی مکان دور، در دویست کیلومتر آن طرف‌تر از اقیانوس اطلس می‌کشاند!
- (۴) این گردباد با نیروی زیاد، ماهی‌ها را به سمت مکانی دورست، در فاصلهٔ دویست کیلومتری اقیانوس اطلس پرتاب می‌کند!

(هنر ۹۹)

۵۰۵- «اصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ، وَ اسْتَغْفِرْ لَذَنْبِكَ ...»:

- (۱) صبر پیشه کن همانا وعدهٔ خداوند حق است، و برای گناهات آمرزش بخواه ...!
- (۲) شکیبایی پیشه کن زیرا وعدهٔ الله بحق است، و برای گناهانت استغفار کن ...!
- (۳) صبر را پیشه خود بساز که وعدهٔ الله حقیقت است، و خدا برای گناه تو مغفرت خواست ...!
- (۴) شکیبایی نشان بده همانا وعدهٔ خدای تو حقیقت است، و برای گناهان خویش آمرزش طلب کن ...!

(عمومی انسانی ۹۹)

۵۰۶- «لَا شَكَّ أَنَّ كَيْفِيَّةَ اسْتِعْمَالِ الْأَعْشَابِ الطَّبِّيَّةِ عِنْدَ الْحَيَوَانَاتِ الصَّحْرَاوِيَةِ وَالطَّيُورِ، قَدْ سَاعَدَتْ الْإِنْسَانَ فِي صُنْعِ الْأَدْوِيَةِ!»:

- (۱) چگونگی به‌کارگیری گیاهان طبّی نزد حیوانات صحرائی و پرندگان، بدون شک به انسان در ساختن داروها کمک کرده است!
- (۲) چگونگی به‌کار گرفتن گیاهان پزشکی در حیوانات بیابانی و پرندگان، بلاشک به انسان در ساخت داروها کمک کرده بود!
- (۳) بدون شک نحوهٔ کاربرد گیاهان دارویی نزد حیوانات و پرندگان صحرائی، به انسان در پیدایش داروها یاری رسانده است!
- (۴) بلاشک نحوهٔ کاربرد گیاهان پزشکی در حیوانات و پرندگان بیابانی به انسان برای ایجاد داروها یاری رسانده بود!

(فارع از کشور ۹۹)

۵۰۷- «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»:

- (۱) الله سرور آنان است که ایمان بیاورند و آن‌ها از ظلمت به سوی نور خارج می‌شوند!
- (۲) خداوند ولی کسانی است که ایمان آورده‌اند، آنان را از تاریکی‌ها به سمت نور خارج می‌سازد!
- (۳) خداوند سروری دارد بر آنان که ایمان آوردند و آنان از تاریکی خارج می‌شوند و به سمت نور می‌روند!
- (۴) الله ولایت دارد بر کسانی که ایمان آورده باشند، و آن‌ها را از ظلمت بیرون می‌آورد و به سوی نور می‌برد!

(عمومی انسانی ۹۸)

۵۰۸- «إِسْتَرْجَعْتُ حَاسِبِي مِنَ الذِّكَّانِ الَّذِي يَخْتَصُّ بِتَصْلِيحِ الْوَسَائِلِ الْكَهْرِبَائِيَّةِ!»:

- (۱) کامپیوترم را به مغازه‌ای که وسایل برقی را درست می‌کرد پس دادم و برگشتم!
- (۲) به مغازه‌ای که تخصصش درست کردن کامپیوتر و وسایل برقی بود برگشتم!
- (۳) کامپیوترم را از مغازه‌ای که مختص تعمیر وسایل برقی است پس گرفتم!
- (۴) از مغازه‌ای که کارش تعمیر وسایل با برق بود کامپیوترم را پس گرفتم!

(تیم‌بی ۹۸)

۵۰۹- «تَسْتَطِيعُ الدَّلَافِينَ أَنْ تُرْشِدُنَا إِلَى مَكَانٍ سَقُوطُ طَائِرَةٍ أَوْ مَكَانٍ غَرَقُ سَفِينَةٍ!»: دلفین‌ها

- (۱) توانستند ما را به مکان سقوط هواپیماها و غرق کشتی‌ها هدایت کنند!
- (۲) می‌توانستند ما را به مکان سقوط هواپیما و غرق کشتی، راهنمایی کنند!
- (۳) توانستند ما را به مکان سقوط هواپیماها یا مکان غرق کشتی‌ها هدایت نمایند!
- (۴) می‌توانند ما را به مکان سقوط یک هواپیما یا مکان غرق یک کشتی، راهنمایی کنند!

(فارغ از کشور ۹۸)

۵۱۰- «عَلَيَّ بِمَدَارَةِ النَّاسِ كَمَا يَجِبُ عَلَيَّ إِقَامَةُ الْفَرَائِضِ!»:

- ۱) باید که با مردم مدارا کرد همان‌گونه که ادای فرائض بر من لازم است!
- ۲) بر من است مدارا کردن با مردم همان‌طور که انجام فرائض بر من واجب است!
- ۳) پای‌بند مدارا با مردم هستم همان‌گونه که انجام دادن فرائض بر من لازم است!
- ۴) مدارا کردن با مردم بر من لازم است همان‌طور که ادای فرائض بر من واجب بوده است!

(هنر ۹۶)

۵۱۱- «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي»:

- ۱) دینتان را امروز کامل گردانیده‌ام و نعمتتان را برایتان به اتمام رسانده‌ام!
- ۲) امروز دینتان را برای شما کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم!
- ۳) امروز است که دین را برایتان به کمال رساندم و نعمتتان را بر شما تمام کردم!
- ۴) دین را امروز برایتان به کمال رسانیدم و نعمت خویش را برایتان به اتمام رساندم!

(ریاضی ۸۸)

۵۱۲- «كُنْتُ أَعْرِفُ كَاتِباً قَدْ كَتَبَ أَكْثَرَ مَقَالَاتِهِ فِي صُحُفِ مَدِينَتِنَا»:

- ۱) من نویسنده‌ای را شناختم که اکثر مقاله‌های او در روزنامه شهر ما به چاپ رسیده بود.
- ۲) نویسنده‌ای را می‌شناختم که بیش‌تر مقالات خود را در روزنامه‌های شهرمان نوشته بود.
- ۳) به نویسنده‌ای معرفی شدم که اکثر مقاله‌هایش در روزنامه شهرمان به چاپ رسیده است.
- ۴) با نویسنده‌ای آشنا شدم که بیش‌تر مقالات خویش را در روزنامه‌های شهری‌مان نوشت.

(ریاضی ۹۴)

۵۱۳- «كَانَ أَبَاؤُنَا يُؤَكِّدُونَ دَائِمًا أَنَّ طَرِيقَ الْوُصُولِ إِلَى الْغَلِيِّ هُوَ الْإِحْسَانُ فِي حَقِّ النَّاسِ!»:

- ۱) تأکید پدران ما همیشه این بوده است که طریق دستیابی بر بزرگی، احسان کردن به مردم است!
- ۲) سفارش نیاکان ما تأکید بر این بوده که راه حصول به بزرگی‌ها، خوبی‌کردن در حق ناس است!
- ۳) نیاکان ما دائماً سفارش می‌کنند که طریق رسیدن به بزرگی‌ها، احسان در حق الناس است!
- ۴) پدران ما همواره تأکید می‌کردند که راه رسیدن به بزرگی، نیکی‌کردن در حق مردم است!

(ریاضی ۹۳)

۵۱۴- «أَشْكُرُ اللَّهَ عَلَى هَذِهِ الْأَيَّامِ الْمَاطِرَةِ، قَدْ طَابَ الْهَوَاءُ وَ أَنَا الْآنَ أَشَاهِدُ ظَاهِرَةَ قَوْسِ قَزَحٍ مَعَ أَلْوَانِهَا الْجَمِيلَةِ!»:

- ۱) خدا را به‌خاطر این روزهای بارانی شکر می‌کنم، هوا پاک شده است و من الآن پدیده قوس قزح را با رنگ‌های زیبایش مشاهده می‌کنم!
- ۲) خدا را به‌خاطر روزهای پرباران کنونی شکر خواهم کرد که هوا را پاک کرده و من اکنون شاهد رنگ‌های زیبای قوس قزح هستم!
- ۳) خدا را برای این روزهای پربارانی که هوا پاک شده و اکنون می‌توانم پدیده رنگین‌کمان و رنگ‌های آن را ببینم، شکرگزارم!
- ۴) خدا را شاکرم برای این روزها که باران می‌بارد، هوا پاک شده و من می‌توانم رنگین‌کمان و رنگ‌های زیبای آن را ببینم!

(ریاضی ۹۳)

۵۱۵- «نَحْنُ سَنَذْهَبُ مَعَ قَائِدِنَا إِلَى الْقِتَالِ وَ لَنْ نَتْرَكَهُ وَحِيداً فِي الْوَقْتِ الْحَرَجِ!»:

- ۱) با رهبر خویش به محل نبرد رهسپار می‌شویم و او را در زمان سختی ترک نمی‌کنیم!
- ۲) به همراه فرمانده برای مبارزه خواهیم رفت و هرگز او را در وقت دشواری رها نمی‌کنیم!
- ۳) ما همراه فرمانده خود به نبرد خواهیم رفت و هنگام سختی او را تنها ترک نخواهیم کرد!
- ۴) ما با رهبر خود به میدان جنگ می‌رویم و او را در زمان دشواری تنها رها نخواهیم کرد!

(تجربی ۹۵ با کمی تغییر)

۵۱۶- «خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ، إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ»:

- ۱) الله آسمان و زمین را به حق آفرید، قطعاً در آن آسمان و زمین برای مؤمنان نشانه‌ای هست!
- ۲) خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق خلق کرد، همانا در آن خلقت آیتی است مؤمنان را!
- ۳) آفریدن آسمان‌ها و زمین‌ها از جانب خداوند است، همانا در آن نشانه‌ای برای مؤمنین است!
- ۴) خلق کردن آسمان و زمین‌ها به وسیله الله می‌باشد، تا در آن آیتی باشد مؤمنین را!

(زبان ۸۶)

۵۱۷- «بَقِينَا أُسْبُوعَيْنِ كَامِلَيْنِ فِي الْغَابَةِ لِنَبْحَثَ عَنْ آثَارِ الْحَيَوَانَاتِ النَّادِرَةِ!»:

- ۱) کاملاً دو هفته در جنگل‌ها برای یافتن آثار حیوانات نادر به سر بردیم!
- ۲) ما دو هفته کامل در جنگل گذراندیم تا آثار نادر حیوانات را دنبال کنیم!
- ۳) دو هفته کامل در جنگل باقی ماندیم تا به دنبال آثار جانوران کمیاب بگردیم!
- ۴) دو هفته در جنگل کاملاً به سر بردیم تا رد پای جانوران نایاب را جست‌وجو کنیم!

(تجربی ۹۶ با تغییر)

- (۲) وَ هَكَذَا يُوَاصِلُ الْمُعَلِّمُونَ أَعْمَالَهُمْ وَ إِنْ لَا تُقْبَلُ،
(۴) حَتَّى يَفْهَمُوا أَنْ لَا تُكْتَسَبَ الْمُعَالِي إِلَّا بِقَدْرِ السَّعْيِ وَ الْكَدِّ!

(هنر ۹۶ با تغییر)

- (۲) جَعَلْتُ لِلْمُؤْمِنِينَ قُلُوبٌ هِيَ مَنْشَأُ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ!
(۴) يُفَكِّرُ الْمُتَلَوُّنُ أَنَّهُ إِنْ يَتَعَبَدَ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى الْمَسَاءِ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ!

(ریاضی ۹۵)

۱۶۷

۶۰۵- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمُبْنِي لِلْمَجْهُولِ:

- (۱) لَا تُبْعِدْ تَدَابِيرُ الْمُعَلِّمِينَ الطَّلَابَ عَنِ الْحُمُولِ،
(۳) وَ الطَّلَبَةُ بَعْدَ مَدَّةٍ يُشْجَعُونَ عَلَى اسْتِخْدَامِ أُسْلُوبِ مُعَلِّمِهِمْ،

۶۰۶- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمُبْنِي لِلْمَجْهُولِ:

- (۱) لَا تَعَبْ أَصْعَبَ مِنْ أَنَّ الْإِنْسَانَ يَتْرَكَ وَحِيداً!
(۳) عِنْدَمَا تَعْصِفُ عَاصِفَةُ الْعَصَبِ تُخَزَّبُ أَرْكَانُ الْفِكْرِ فِي الْإِنْسَانِ!

۶۰۷- عَيْنُ الْخَطَا فِي الْبِنَاءِ لِلْمَجْهُولِ:

- (۱) يَبْنِي هَذَا الْمَعْمَارُ كَثِيراً مِنَ الْمَسَاجِدِ ← يَبْنِي كَثِيرَ مِنَ الْمَسَاجِدِ!
(۲) يَضْرِبُ اللَّهُ بَعْضَ الْأَمْثَالِ لِفَهْمِنَا ← يُضْرِبُ الْأَمْثَالَ لِفَهْمِنَا!
(۳) يَظْلِمُ الظَّالِمُونَ الْمَظْلُومِينَ كَثِيراً فِي الدُّنْيَا ← ظَلِمَ الْمَظْلُومُونَ كَثِيراً فِي الدُّنْيَا!
(۴) يَنْتَخِبُ الْمَدِيرُ شَابَّيْنِ يَعْتَمِدَانِ عَلَى نَفْسِهِمَا ← يَنْتَخِبُ شَابَّانِ يَعْتَمِدَانِ عَلَى نَفْسِهِمَا!

(تجربی ۹۵)

۶۰۸- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ حَتَّى يَصْبِحَ الْخَبَرُ جَمْلَةً فَعْلِيَّةً: «هَؤُلَاءِ يُؤَدِّبْنَ الْأَوْلَادَ صَغَاراً»

- (۱) مَنْ (۲) مَعْلَمَات (۳) الْأُمَهَات (۴) هُنَّ اللَّاتِي

(تجربی ۹۹)

۶۰۹- عَيْنٌ مَا فِيهِ «نُونُ الْوَقَايَةِ»:

- (۱) أَتَمَنَّى أَنْ أُصْعِدَ إِلَى ذَلِكَ الْجَبَلِ الْمُرْتَفِعِ!
(۳) أُخْتِي! يَجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تُعَيِّنِي بِرَنَامُجِكَ فِي الْأُسْبُوعِ!
(۲) لَا تَحْزَنِي يَا صَدِيقَتِي الْعَزِيزَةُ عَلَى هَذِهِ الْمَشْكِلةِ!
(۴) كَانَ صَدِيقِي فِي الْبَحْرِ، فَنَادَى: إِنْ لَمْ تُعِينُونِي أُغْرَقُ!

(ریاضی ۹۹)

۶۱۰- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ «نُونُ الْوَقَايَةِ»:

- (۱) يُسَاعِدُنِي كَلَامُ صَدِيقِي لِإِصْلَاحِ نَفْسِي!
(۳) يَتِمَّنِّي أَخِي أَنْ يَصِلَ إِلَى الْمَرَا حِلِّ الْعَالِيَةِ فِي الْعِلْمِ!
(۲) أَقُولُ لَزَمِيلِي أَعِنِّي فِي حَلِّ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ!
(۴) أَعَانَنِي صَدِيقِي فِي تَعَلُّمِ دُرُوسِي الصَّعْبَةِ فَشَكَرْتُهُ كَثِيراً!

(هنر ۹۹)

۶۱۱- عَيْنٌ مَا فِيهِ «نُونُ الْوَقَايَةِ»:

- (۱) يَجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تُحَسِّنِي لِمَنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ قَدْرَةٌ!
(۳) يَرْشِدُنِي مُعَلِّمِي الرَّؤُوفِ دَائِماً إِلَى تَعَلُّمِ الْعِلْمِ النَّافِعَةِ!
(۲) بَعْضُ الطَّيُورِ تَبْنِي بَيْوتَهَا فَوْقَ الْأَشْجَارِ الْمُرْتَفِعَةِ!
(۴) يَا أُخْتِي! إِنْ تُؤْمِنِي بِأَنَّ التَّجَاحَ نَتِيجَةُ أَعْمَالِكَ فَحَاوِلِي!

(زبان ۹۹)

۶۱۲- عَيْنٌ مَا فِيهِ «نُونُ الْوَقَايَةِ»:

- (۱) آيَتُهَا التَّلْمِيزَةُ الْمُجْتَهِدَةُ بَيْنِي لَزَمِيلَاتِكَ أُسْلُوبَ قِرَاءَةِ الدُّرُوسِ!
(۳) نَتَمَنَّى أَنْ نَصِلَ إِلَى أَهْدَافِنَا دُونَ تَعَبٍ وَ هَذَا مُحَالٌ!
(۲) هَلْ تَعْرِفُ أَنَّ التَّلْمَةَ تَبْنِي بَيْتَهَا تَحْتَ الْأَرْضِ وَ لَهُ نَوَافِذُ!
(۴) أَنْقَذَنِي أَحَدُ أَصْدِقَائِي قَبْلَ أَنْ أُغْرَقَ فِي السَّدَائِدِ!

(عمومی انسانی ۹۹)

۶۱۳- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ «نُونُ الْوَقَايَةِ»:

- (۱) إِنْ لَمْ تُؤْمِنِي بِقُوَّةِ نَفْسِكَ فَلَنْ تَتَقَدَّمِي فِي الْحَيَاةِ!
(۳) أَعَانَتَنِي يَوْمَاتِ مَزْعَتِي لِأَتَخَلَّصَ مِنْ شَرِّ الْفُرْطَانِ!
(۲) مَنَعَنِي التَّزَامِي بِالْصَّدَقِ مِنْ ارْتِكَابِ الْمَعَاصِي!
(۴) فِي اللَّعْبِ أَعْطَانِي صَدِيقِي الْكَرَّةَ وَ رَمِيَّتُهَا إِلَى الْهَدَفِ!

(فارغ از کشور ۹۹)

۶۱۴- عَيْنٌ مَا فِيهِ «نُونُ الْوَقَايَةِ»:

- (۱) قَدْ صَرَّنِي كَثِيراً اللَّعْبُ الْكَمْبِيُوتِيرِي فِي هَذِهِ السَّنَةِ!
(۳) يَا صَدِيقَتِي! لِمَ لَمْ تُعَيِّنِي زَمِيلَاتِكَ فِي تَعَلُّمِ الدُّرُوسِ!
(۲) يَتِمَّنِّي أَغْلِبُ الشَّبَابُ أَنْ يَصِلُوا إِلَى التَّجَاحِ بِسَهُولَةٍ!
(۴) يَبْنِي النَّاسُ بَيْوتَهُمْ لِيَسْكُنُوا وَ يَسْتَرِيحُوا فِيهَا!

(هنر ۹۸)

۶۱۵- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ نُونُ الْوَقَايَةِ:

- (۱) أَحْسَنِي إِلَى الْمَسَاكِينِ دَائِماً يَا أُخْتِي الْعَزِيزَةُ!
(۳) قَدْ أَعْطَانِي وَالِدَايَ مَا أَحْتَاجُ إِلَيْهِ فِي طَوْلِ الْأَيَّامِ!
(۲) إِلَهِي، أَحْبَبْتُكَ لِأَنَّكَ تَجْعَلُنِي فِي أَعْيُنِ النَّاسِ كَبِيراً!
(۴) إِنْتَخَبْتَنِي هَذِهِ الْأُسْرَةُ لِمُسَاعَدَةِ أَوْلَادِهَا فِي فَهْمِ الدُّرُوسِ!

(فارغ از کشور ۹۹)

۶۱۶- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ مِبَالِغَةٍ:

- (۱) الْكَذَّابُ كَالْحَقَّارِ يَقَعُ فِي حَفْرَتِهِ يَوْمًا!
(۳) يَا آيَتُهَا النَّفْسُ اللَّوَامَةُ أَرْشِدْنِي إِلَى الْحَسَنَاتِ!
(۲) هَذَا الْعَلَّامَةُ كَأَنَّهُ مُصْبَاحٌ فِي الْأَرْضِ!
(۴) الرُّؤَاةُ هُمُ الَّذِينَ يُصَلُّونَ لِيُشَاهِدُوا اللَّهَ فِي قُلُوبِهِمْ!

(تجربی ۹۵)

۶۱۷- عَيْنٌ مَا فِيهِ اسْمُ الْفَاعِلِ مِنْ مَزِيدٍ ثَلَاثِي:

- (۱) إِنَّ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ حَمَلُوا رَايَةَ الْعِلْمِ طَوَالَ النَّارِخِ!
(۳) أَرَى فِيكَ كَثِيراً مِنَ الْخَبَرِ وَ الْمُرُوءَةِ وَ صِفَاءِ الْقَلْبِ!
(۲) الطَّفُولَةُ مِنْ أَجْمَلِ مَرَا حِلِّ عُمَرِ الْإِنْسَانِ!
(۴) رَأَيْتُهَا وَ السَّرُورَ ظَاهِرَ عَلَى وَجْهِهَا!

پاسخ تست‌های کنکور سراسری

۱۶۸

بانک تست | تست‌های کنکور سراسری

۵۱۵ = ۳ به این موارد باید توجه شود: ضمیر «نَحْنُ» ما - فعل مستقبل «سَنَذْهَبُ» خواهیم رفت.

۵۱۶ = ۲ به این موارد توجه شود: فعل ماضی «خَلَقَ» خلق کرد، آفرید - اسم از نظر تعداد «السموات: آسمان‌ها» - «الأرض: زمین».

۵۱۷ = ۳ به این موارد توجه شود: فعل ماضی اول شخص جمع «بَقِينَا» باقی ماندیم - ترکیب وصفی «أَسْبُوغِينَ كَامِلِينَ» دو هفته کامل که اسم مثنی نیز می‌باشند.

۵۱۸ = ۱ با توجه به «نِعْمَتُهُ» نعمت خود که اسم مفرد است، سایر گزینه‌ها رد می‌شوند.

۵۱۹ = ۲ با توجه به فعل مضارع «يَسْمَعُونَ» می‌شنوند سایر گزینه‌ها رد می‌شوند. - ترکیب وصفی اضافی «كَلَامَ الْأَنْبِيَاءِ الْحَقِّ» سخن حق انبیاء

۵۲۰ = ۳ به فعل‌ها توجه شود: فعل نهی: «لَا تَتْرَكُوا» ترک نکنید، رها نکنید در جمله اول و فعل مضارع «يَفْتَحُ» می‌گشاید در جمله دوم.

۵۲۱ = ۳ به این موارد توجه شود: فعل ماضی اول شخص مفرد «تَحَمَّلْتُ» تحمل کردم - و اسم از نظر تعداد «الْمَشَقَاتُ» مشقت‌هایی، سختی‌هایی.

۵۲۲ = ۲ به این موارد توجه شود: فعل مضارع: «تَتَكَوَّنُ» تشکیل می‌شود که فعل از باب تَفَعَّل می‌باشد و برای اثرپذیری به کار می‌رود. حرف جر «لِ» دارد که در اول جمله بر سر اسم آمده است.

۵۲۳ = ۱ به این موارد توجه شود: فعل مضارع «يُسَجِّعُ» تشویق می‌کند، تشجیع می‌کند - ترجمه جمع مکسر «شباب: جوانان» (در گزینه ۲ و ۳ «فرزندان» ترجمه شده است). در گزینه ۴ «غنیمت شمردن» ترجمه مناسبی برای «الْإِنْفَاعُ» سود بردن، بهره بردن، بهره‌گیری نیست.

۵۲۴ = ۱ به این موارد توجه شود: آمدن «الْعَزَالُ: آهو» در اول جمله، ترجمه کلمه «كَأَنَّهُ: گویی» - فعل مضارع «يُدْرِكُ» درک می‌کند، درک می‌نماید. در گزینه ۴، کلمه «این» اضافه آمده است.

۵۲۵ = ۱ به این موارد توجه شود: ترجمه کلمه پرسشی «كَيْفَ: چگونه» - فعل مضارع «تَتَفَاخَرُ» فخر می‌فروشی.

۵۲۶ = ۲ با توجه به فصل مضارع «نُزِّلَ» نازل می‌کنیم» گزینه‌های ۱ و ۳، رد می‌شوند. در گزینه ۴، کلمه «فقط» اضافه آمده است.

۵۲۷ = ۱ به این موارد باید توجه شود: ترجمه اسم با صفت آن «مَشَاكِلَ عَدِيدَةٍ: مشکلات متعددی» - فعل ماضی «قَدْ جَعَلْتُ» قرار داده‌ای - فعل امر «يَسِّرْ» آسان کن - توجه به داشتن یا نداشتن ضمیر متصل «لَنَا: برای ما، برایمان» - في الدنيا: در دنیا

۵۰۳ = ۴ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «الْفَشْلُ تَحْمُلُهُ صَعْبٌ» شکست تحملش سخت است - «فُرْصًا» جمع مکسر: فرصت‌هایی - تست‌تفید: استفاده خواهی کرد (آینده)

۵۰۴ = ۱ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «قُوَّةُ هَذَا الْإِعْصَارِ: قدرت این گردباد» - «تَسْحَبُ» (فعل مضارع): می‌کشاند (مضارع اخباری) - «مَكَانٍ بَعِيدٍ» (موصوف و صفت نکره): مکانی دور

۵۰۵ = ۱ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «إَصْبِرْ» (فعل امر): صبر پیشه کن، شکیبایی پیشه کن - «ذَنْبِكَ» (اسم مفرد + ضمیر): گناهت

۵۰۶ = ۱ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «عِنْدَ: نزد» - «الحيوانات الصحراوية و الطيور: حیوانات صحرایی و پرندگان، حیوانات بیابانی و پرندگان» - «قَدْ سَاعَدْتُ: کمک کرده است، یاری رسانده است (ماضی نقلی)» - «صُنْعُ: ساختن، ساخت»

۵۰۷ = ۲ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «وَلِيَ الَّذِينَ آمَنُوا: ولی کسانی است که ایمان آوردند» - «يُخْرِجُهُمْ» (مضارع از باب إفعال + ضمیر مفعولی): آن‌ها را خارج می‌سازد - «الظُّلُمَاتُ» (جمع مؤنث سالم): تاریکی‌ها - «إِلَى النُّورِ: به سمت نور، به سوی نور» - در گزینه (۳ و ۴) حرف «و» در «و به ...» اضافه آمده است.

۵۰۸ = ۳ به این موارد توجه شود: فعل ماضی باب استفعال «إِسْتَرْجَعْتُ» پس گرفتم - ترکیب وصفی «الوسائل الكهربائية: وسایل برقی» - «کارش» در گزینه (۴) اشتباه آمده است. (توجه: «الکهربائية: برقی» اسم منسوب است).

۵۰۹ = ۴ به فعل مضارع توجه شود: «تَسْتَطِيعُ» می‌تواند (مضارع اخباری)

۵۱۰ = ۲ به این موارد توجه شود: «عَلَيَّ بِمَدَارَةِ النَّاسِ» (علی + ضمیر متکلم وحده «ي» + مصدر): بر من است، بر من لازم است، من باید ... - «يَجِبُ عَلَيَّ: بر من واجب است، بر من لازم است»

۵۱۱ = ۲ به ضمیر متصل در عبارت توجه شود: ضمیر متصل با حرف جر «لَكُمْ: برایتان، برای شما / عَلَيَّكُمْ: بر شما» - ضمیر متصل با اسم «دینکم: دینتان / نِعْمَتِي: نعمتم، نعمت خود، نعمت خویش».

۵۱۲ = ۲ با توجه به فعل «كُنْتُ أَعْرِفُ» می‌شناختم که معادل ماضی استمراری است سایر گزینه‌ها رد می‌شوند.

۵۱۳ = ۴ با توجه به فعل «كَانَ ... يُؤَكِّدُونَ: تأکید می‌کردند»، سایر گزینه‌ها رد می‌شوند.

۵۱۴ = ۱ با توجه به فعل مضارع اول شخص مفرد «أَشْكُرُ: شکر می‌کنم» جواب صحیح به دست می‌آید و سایر گزینه‌ها رد می‌شوند. - ترکیب اضافی وصفی «أُلُوَانُهَا الْجَمِيلَةُ: رنگ‌های زیبایش»



اول

سوالات امتحانی درس

مهارت واژه‌شناسی

الف ترجمه کلمات التي تحتها خط: (کلماتی که زیرشان خط است را ترجمه کن.)

- ۱- الشَّمْسُ جَدَوْتُهَا مُسْتَعِرَةً.....
- ۲- الشَّجَرَةُ ذَاتُ الْعُصُونِ النَّصْرَةِ..... /
- ۳- اللَّهُ ذُو حِكْمَةٍ بِالْقَةِ.....
- ۴- كَيْفَ صَارَتْ حَبَّةُ شَجَرَةٍ.....
- ۵- ذَلِكَ هُوَ اللَّهُ.....
- ۶- الْفُسْتَانُ ذَاتُ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ.....

ب اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعًا الْكَلِمَاتِ: (مفرد یا جمع کلمه‌ها را بنویس.)

- ۷- بَحْثُ:.....
- ۸- صَدِيقُ:.....
- ۹- عُصُونُ:.....
- ۱۰- أَنْصَارُ:.....

ج اُكْتُبْ فِي الْفَرَائِغِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ: (در جاهای خالی کلمات مترادف و متضاد را بنویس.) =

غَيْمٌ / ثَمَرٌ / قَبِيحٌ / مَمْنُوعٌ / رَاسِبٌ / جَذْوَةٌ / رَقْدٌ / بَيْعٌ / شَرَزَةٌ / شِرَاءٌ / نَامٌ / نَاجِحٌ / فَائِزَةٌ / مَسْمُوحٌ / جَمِيلٌ / سَحَابٌ

- ۱۱- = ۱۳- = ۱۵- = ۱۷- ≠
- ۱۲- ≠ ۱۴- = ۱۶- ≠ ۱۸- ≠

د عَيْنِ الْكَلِمَةِ الَّتِي لَا تُنَابِسُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى: (کلمه‌ای که با کلمات دیگر تناسب ندارد، مشخص کن.)

- | | | | | | | | |
|-----------------|--------------------------|-----------|--------------------------|--------------|--------------------------|-------------|--------------------------|
| ۱۹- الْجَذْوَةُ | ☐ | الشَّجَرُ | ☐ | الْحَبَّةُ | ☐ | الْعُصْنُ | ☐ |
| ۲۰- النَّجْمُ | ☐ | الشَّمْسُ | ☐ | الْجِدَارُ | ☐ | الْقَمَرُ | ☐ |
| ۲۱- الْحَجَرُ | ☐ | الدَّرُّ | ☐ | الرَّجَاجَةُ | ☐ | النَّصْرَةُ | ☐ |

مهارت ترجمه به فارسی

هـ ترجمه عبارات التالية: (عبارت‌های زیر را ترجمه کن.)

- ۲۲- أَنْزَلَ اللَّهُ الْمَطَرَ مِنَ الْغَيْمِ.
- ۲۳- نَمَتِ الْحَبَّةُ مِنَ الْأَرْضِ ثُمَّ ظَهَرَتْ شَجَرَةً.
- ۲۴- خَلَقَ اللَّهُ الشَّمْسَ فِي السَّمَاءِ لِلضَّيَاءِ.
- ۲۵- رَأَيْتُ الْأَنْجَمَ مِثْلَ الدَّرِّ فِي اللَّيْلِ.
- ۲۶- اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَنْعَمَ لِكُلِّ الْمَوْجُودَاتِ كَثِيرَةً.
- ۲۷- ابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ يَخْرُجُ مِنَ الشَّجَرَةِ الثَّمَرَةَ؟
- ۲۸- لَا تَنْظُرُوا إِلَى الشَّمْسِ فِي وَسْطِ السَّمَاءِ لِأَنَّ نُورَهَا الشَّدِيدَ يَصُرُّ إِلَى عَيْنَيْكُمْ.
- ۲۹- أَقْطَعَ عُصُونَ الشَّجَرَةِ الَّتِي لَيْسَتْ لَهَا ثَمَرَةٌ.
- ۳۰- عَلَيْنَا الشُّكْرُ لِلْأَنْعَمِ الْكَثِيرَةِ فِي الطَّبِيعَةِ.
- ۳۱- الشَّمْسُ فِي الصَّيْفِ حَارَّتُهَا مُنْتَشِرَةً فِي كُلِّ مَكَانٍ.
- ۳۲- أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ الْقَمَرَ؟
- ۳۳- اللَّهُ زَانَ اللَّيْلِ بِأَنْجَمٍ كَالدَّرِّ الْمُنْتَشِرَةِ.
- ۳۴- الْقَمَرُ كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِياؤه مِنْ الشَّمْسِ.
- ۳۵- وَ أَنْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ الْمَطَرَ؟

و كَمِّلِ الْفَرَائِغِ فِي التَّرْجُمَةِ: (جاهای خالی را در ترجمه کامل کن.)

- ۳۶- مَنْ ذَا الَّذِي أَنْعَمَ مِنْهُمْ؟
- ۳۷- كَانَ الطُّلَابُ يَكْتُبُونَ الدَّرْسَ بِدَقَّةٍ.
- ۳۸- «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ»
- ۳۹- «وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا»
- ۴۰- الْغَيْمُ بُخَارٌ مُتَرَكِّمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.

ز عَيْنِ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ: (ترجمه صحیح را مشخص کن.)

- ۴۱- كَانَتِ التَّلْمِيذَةُ تَكْتُبُ دُرُوسَهَا.
- دانش آموز درس‌هایش را (۱. می‌نویسد. ☐ ۲. می‌نوشت. ☐)
- ۴۲- ذَهَبْنَا مَعَ أَسْرَتِي إِلَى الْغَايَةِ وَ قَالُوا: لَا تَقْطَعُوا الْأَشْجَارَ.
- با خانواده‌ام به جنگل (۱. رفتم ☐ ۲. رفتیم ☐) و گفتند: درختان را (۱. قطع نمی‌کنید ☐ ۲. قطع نکنید ☐)

- ۴۳- أَوْجَدَ اللَّهُ التَّيَاتَاتِ مِنَ الْأَرْضِ.
خداوند گیاهان را از زمین (۱) پدید آورد (۲) پدید می‌آورد (۳).
۴۴- أَنْظُرْ إِلَى قُدْرَةِ اللَّهِ وَ أَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ.
به قدرت خداوند (۱) نگاه کن (۲) نگاه می‌کنم (۳) و (۱) می‌گویم (۲) بگو (۳) سپاس برای خداست.
۴۵- اللَّهُ يَزِينُ الْأَشْجَارَ بِالْأَوْرَاقِ الْمَلُونَةِ فِي الْخَرِيفِ.
خداوند درختان را با (۱) برگ‌های (۲) برگ (۳) رنگارنگ در پاییز (۱) زینت داد (۲) زینت می‌دهد (۳).
۴۶- ضِيَاءُ الشَّمْسِ كَثِيرَةٌ وَ حَرَارَتُهَا مُنْتَشِرَةٌ.
(۱) فاصله (۲) روشنائی (۳) خورشید زیاد و گرمایش (۱) کم (۲) پخش شده (۳) است.
۴۷- إِحِثِّ فِي الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ حَوْلَ عَظَمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ ثُمَّ تَرْجِمُهُ مُسْتَعِينًا بِالْمُعْجَمِ.
در کتابخانه در مورد متنی (۱) کوچک (۲) کوتاه (۳) درباره عظمت آفریده‌های خداوند (۱) پژوهش کن (۲) پژوهش کنید (۳) سپس آن را با (۱) استفاده (۲) کمک (۳) وازنامه (۱) ترجمه کنید (۲) ترجمه کن (۳).

مهارت شناخت و کاربرد قواعد

- ح کَمَلِ الْفَرَائِغَ بِالْكَلِمَةِ الْمُنَاسِبَةِ: (جاهای خالی را با کلمه مناسب کامل کن.)
۴۸- يَدُورُونَ حَوْلَ الْكَعْبَةِ. (هُم هُنَّ)
۴۹- أَنْتُمْ كِتَابَ الْعَرَبِيِّ. (تَقْرَأْنَ تَقْرَأُونَ)
۵۰- يَا سَعِيدُ وَ حَمِيدُ دُرُوسَكُمَا. (أَكْتُبَا أَكْتُبَا)
۵۱- هَذِهِ الشَّجَرَةُ. (فَعَلَ نَهَى مِنْ تَقْرَبَانِ)
۵۲- التَّلْمِيذَاتُ بِصَوْتٍ مُرْتَفِعٍ. (مضارع مناسب از «صَرَخَ»)
۵۳- الْفَصْلُ الرَّابِعُ مِنَ السَّنَةِ هُوَ فَصْلُ (الشَّتَاءُ الْخَرِيفُ)
۵۴- نَأْكُلُ فِي اللَّيْلِ. (الغشاء الغداء)
۵۵- مَجَلَّةٌ. (هذا هذه)

- ط اُكْتُبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ: (وزن کلمات و حروف اصلی آن‌ها را بنویس.)
۵۶- «عَفَّارٌ، مَغْفُورٌ»
۵۷- «شَاكِرٌ، شَاكِرٌ»
۵۸- «مُصْبِحٌ، صَبَاحٌ»
۵۹- «عَلِيمٌ، مُعَلِّمٌ»

- ی صَنِّعْ هَذِهِ التَّرَاكِبَ وَ الْجُمْلَتَيْنِ فِي مَكَانَيْهَا الْمُنَاسِبِ، ثُمَّ تَرْجِمْهُمَا: (این ترکیب‌ها و دو جمله را در مکان مناسبشان بگذار، سپس آن‌ها را ترجمه کن.)

هَؤُلَاءِ مُعَلِّمَاتٌ / هَاتَانِ الْفَائِزَتَانِ / تِلْكَ الْبَطَّارِيَّةُ / هَذَانِ الدَّلِيلَانِ / ذَلِكَ التَّلْمِيذُ

- ۶۰- مفرد مذکر:
۶۱- مفرد مؤنث:
۶۲- مثنی مذکر:
۶۳- مثنی مؤنث:
۶۴- جمع مؤنث:

- ک اُكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ وَ تَرْجِمْهُمَا: (نوع فعل‌ها را بنویس و آن‌ها را ترجمه کن.)
۶۵- أَطْلُبُ حَقِّكَ:
۶۶- الْأَطَالِبَاتُ لَا يَطْلُبْنَ الرَّسَبَ:
۶۷- أَنْتُمْ مَا طَلَبْتُمْ ثَمَرَةَ الشَّجَرَةِ:
۶۸- سَوْفَ تَطْلُبُ عِزَّةَ الْمُؤْمِنِينَ:
۶۹- هُمْ كَانُوا يَطْلُبُونَ الْأَخِرَةَ:
۷۰- لَا تَطْلُبْ دَفْتَرَ زَمِيلِكَ:

- ل اُرْسِمِ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ: (عقربه‌های ساعت‌ها را بکش.)



۷۲- الثَّامِنَةُ إِلَّا زُبْعًا



۷۱- السَّادِسَةُ وَ الرَّبْعُ



۷۴-



۷۳-

مهارت درک و فهم

ن ضَعُ فِي الْفَرَاقَاتِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ عَلَى حَسَبِ الْمَعْنَى: «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ». (برحسب معنی در جاهای خالی کلمه مناسب را قرار بده.) «یک کلمه اضافه است.»

الْمُسَافِرَةُ / الشَّمْسُ / الدَّرَزُ / الشَّرَرَةُ / الْقَاعَةُ

- ۷۵- مَكَانَةً يَنْتَظِرُ فِيهَا مُسَافِرُ الْمَطَارِ.
۷۶- مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ.
۷۷- قِطْعَةً مِنَ النَّارِ.
۷۸- ذَهَابٌ إِلَى مَكَانٍ بِالسَّيَّارَةِ أَوْ الْحَافِلَةِ أَوْ الطَّائِرَةِ.

س اِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ اجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: (متن را بخوان سپس به سؤالات جواب بده.)

۷۹- ذَهَبَ عَلِيٌّ يَوْمًا مِنْ قَرَبَيْتِهِ إِلَى الْغَابَةِ وَ بَعْدَ مَدَّةٍ رَأَى الْغُيُومَ فِي السَّمَاءِ بِلَوْنٍ أَسْوَدَ ثُمَّ أَصْبَحَ الْجَوُّ بَارِدًا وَ هُوَ شَعَرَ بِالْبُرْدِ وَ بَعْدَ قَلِيلٍ نَزَلَ الْمَطَرُ، فَجَلَسَ عَلِيٌّ تَحْتَ الشَّجَرَةِ وَ بَعْدَ قَطْعِ الْمَطَرِ رَجَعَ إِلَى الْقَرْيَةِ.

- (۱) مَا رَأَى عَلِيٌّ فِي السَّمَاءِ؟
(۲) إِلَى أَيْنَ ذَهَبَ عَلِيٌّ؟
(۳) هَلْ شَعَرَ عَلِيٌّ بِالْحَرِّ الشَّدِيدِ؟
(۴) مَتَى رَجَعَ عَلِيٌّ إِلَى الْقَرْيَةِ؟

ع اِنتَخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ: (جواب صحیح را انتخاب کن.)

- ۸۰- مَنْ يُخْرِجُ الثَّمَرَةَ مِنَ الشَّجَرَةِ؟
۸۱- مَاذَا رَأَيْتَ فِي اللَّيْلِ وَسَطَ السَّمَاءِ؟
۸۲- مَتَى صَارَتْ أَوْرَاقُ الشَّجَرَةِ ذَاتَ اللَّوْنِ الْأَخْضَرِ؟
۸۳- مِمَّا يَنْزِلُ الْمَطَرُ؟
(۱) الْمَاءُ وَ الشَّمْسُ
(۲) الشَّمْسُ
(۱) الشَّمْسُ
(۲) الْقَمَرُ
(۱) فَصْلُ الْخَرِيفِ
(۲) فَصْلُ الرَّبِيعِ
(۱) الْعَيْمِ
(۲) الْجَذْوَةِ

مهارت مکالمه

ف اُكْتُبْ جَوَاباً مُنَاسِباً عَنِ السُّؤَالَاتِ: (درباره سؤالات جوابی مناسب را بنویس.)

- ۸۴- مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟
۸۵- مَتَى مَوَعِدُ أَذَانِ الصُّبْحِ؟
۸۶- مَنْ ذَلِكَ الْوَلَدُ؟
۸۷- مَاذَا تَقْرَأُ؟
۸۸- كَمْ السَّاعَةُ الْآنَ؟
۸۹- مَا هُوَ لَوْنُ الْمَوْزِ؟
۹۰- بِمَ تَسَافِرُ إِلَى مَشْهَدٍ؟
۹۱- كَمْ قَلَمًا فِي حَقِيبَتِكَ؟

س رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اُكْتُبْ سَوْالاً وَ جَوَاباً صَحِيحاً: (کلمات را مرتب کن و سؤال و جواب صحیحی را بنویس.)

- ۹۲- مَا / إِسْمِي / اِسْمُكَ / حَسِينُ / الْكَرِيمُ / . / ؟
۹۳- مَعَ الْأَسْفِ / هَلْ / إِيْرَانْ / لَا / إِلَى / سَافَرْتُ / . / ؛ / ؟

پاسخ سؤالات امتحانی درس اول

۱. فروزان
۲. دارای - تر و تازه
۳. کامل
۴. شد
۵. آن
۶. پیراهن زنانه
۷. اُنْحَاث: پژوهِش‌ها
۸. أَصْدِقاء: دوستان
۹. عُصْن: شاخه
۱۰. ناصِر: یاری کننده
۱۱. جَذْوَة = شَرَرَة (پاره آتش، اخگر)
۱۲. رَاسِب ≠ ناجح (مردود ≠ موفق)
۱۳. عَیْم = سحاب (ابر)
۱۴. ثَمَر = فاکهه (میوه)
۱۵. رَقَدَ = نام (خوابید)
۱۶. بَيْع ≠ شراء (فروش ≠ خرید)
۱۷. قَبِيح ≠ جَمیل (زشت ≠ زیبا)
۱۸. مَمْنوع ≠ مَسْمُوح (غیرمجاز ≠ مجاز)
۱۹. «الْجَذْوَة: پاره آتش» سایر موارد روینده هستند: (الشَّجَر: درخت - الْخَبَّة: دانه - الْعُصْن: شاخه)
۲۰. «الْجِدَار: دیوار» سایر موارد اجرام آسمانی هستند: (الْتَّجْم: ستاره - الشَّمْس: خورشید - الْقَمَر: ماه)
۲۱. «الْتَّصِرَة: تر و تازه» سایر موارد اجسام هستند: (الْحَجَر: سنگ - الدَّرَز: مروارید - الرِّجَاجَة: شیشه)
۲۲. خداوند باران را از ابر نازل کرد (فرستاد).
۲۳. دانه از زمین روید سپس درختی ظاهر (نمایان) شد.



۶۵. خدایند خورشید را در آسمان، برای روشنایی آفرید.
۶۵. ستارگان را در شب همانند مرواریدها دیدم.
۶۶. خدایند همان کسی است که نعمت‌هایش برای همه موجودات فراوان است.
۶۷. جست‌وجو کن و بگو چه کسی از درخت، میوه را درمی‌آورد؟
۶۸. به خورشید در وسط آسمان نگاه نکنید زیرا نور شدید آن به چشم‌های شما ضرر می‌رساند.
۶۹. شاخه‌های درختی را که میوه‌ای ندارد، قطع می‌کنم.
۷۰. ما باید به خاطر نعمت‌های زیاد در طبیعت شکرگزار باشیم.
۷۱. خورشید در تابستان حرارتش در هر جایی پخش (پراکنده) است.
۷۲. به شب نگاه کن پس چه کسی ماه را در آن پدید آورد؟
۷۳. خدایند شب را با ستارگانی مانند مرواریدهای پخش‌شده (پراکنده) زینت داد.
۷۴. ماه سیاره‌ای است که دور (اطراف) زمین می‌چرخد؛ روشنایی‌اش از خورشید است.
۷۵. و به ابر نگاه کن پس چه کسی از آن باران را فرو فرستاد؟
۷۶. این کیست (مَنْ ذَا) - ریزان (مُنْهَمِرَة)
۷۷. درس‌ها (الْدُّرُوسُ؛ جمع مکسر) می‌نوشتند (کَانَ ... یُکْتُبُونَ؛ ماضی استمراری)
۷۸. ستایش (الْحَمْدُ) - آسمان‌ها (السَّمَاوَاتُ) - آفرید (خَلَقَ؛ فعل ماضی) - تاریکی‌ها (الظُّلُمَاتُ) - قرار داد، بنهاد (جَعَلَ؛ فعل ماضی)
۷۹. می‌اندیشند (يَتَفَكَّرُونَ؛ فعل مضارع) - ما (ضمیر متصل «نا») - نیافریدی (مَا خَلَقْتَ؛ ماضی منفی)
۸۰. اَبَر (الْعَلِيمُ) - از آن (مِنَهُ) - نازل می‌شود، می‌بارد (يَنْزِلُ؛ فعل مضارع)
۸۱. (۲) دانش آموز درس‌هایش را می‌نوشت.
- (كَانَتْ ... تَكْتُبُ؛ ماضی استمراری ترجمه می‌شود).
۸۲. (۲) با خانواده‌ام به جنگل رفتیم و گفتند: درختان را قطع نکنید.
- (ذَهَبْنَا؛ رفتیم - لَا تَقْطَعُوا؛ فعل مضارع نهی است).
۸۳. (۱) پدید آورد (أَوْجَدَ؛ فعل ماضی)
۸۴. (۲) نگاه می‌کنم (أَنْظُرُ؛ مضارع اول شخص مفرد) - (۱) می‌گویم (أَقُولُ؛ مضارع اول شخص مفرد)
۸۵. (۱) برگ‌های (أوراق؛ جمع مکسر) - زینت می‌دهد (يُزِينُ؛ مضارع)
۸۶. (۲) روشنایی (ضیاء) - (۲) پخش‌شده (مُنْتَشِرَة)
۸۷. (۲) کوتاه (قصیر) - (۱) پژوهش کن (ابْحَثْ؛ فعل امر مفرد) - (۲) کمک (مُسْتَعِينًا) - (۲) ترجمه کن (تَرْجِمْ؛ فعل امر مفرد)
۸۸. «هُم» مناسب فعل «يَدُورُونَ» است.
۸۹. فعلی «تَقْرَؤُونَ» با ضمیر «أنتم» تناسب دارد.
۹۰. «أَكْتُبَا»؛ با توجه به دو اسم که مورد خطاب قرار گرفته‌اند و هم‌چنین ضمیر متصل «كما» آمده است.
۹۱. «لا»ی نهی نون اعراب را از آخر فعل مضارع حذف می‌کند: «لا تَقْرَبَا»
۹۲. فعل در جمله بعد از اسم آمده است، بنابراین از «الْتَّمِيزَات» پیروی می‌کند: يَصْرُخْنَ
۹۳. فصل چهارم در سال همان فصل «الشتاء: زمستان» است.
۹۴. «الْعشاء: شام» را در شب می‌خوریم.
۹۵. «هذه» مناسب اسم مؤنث «مَجَلَّة» است.
۹۶. فَعَال - مَفْعُول - غ ف ر
۹۷. فَعُول - فاعِل - ش ک ر
۹۸. مِفْعَال - فَعَال - ص ب ح
۹۹. فَعِيل - مَفْعَل - ع ل م
۶۰. ذَلِكَ التَّمِيذُ: آن دانش آموز
۶۱. تِلْكَ الْبَطَّارِيَةُ: آن باطری
۶۲. هَذَانِ الدَّلِيلَانِ: این دو راهنما
۶۳. هَاتَانِ الْفَائِزَتَانِ: این برندگان، این دو برنده
۶۴. هَؤُلَاءِ مُعَلِّمَاتٌ: این‌ها معلم هستند.
۶۵. امر - بخواه
۶۶. مضارع منفی (نفی) - نمی‌خواهند
۶۷. ماضی منفی (نفی) - نخواستید
۶۸. مستقبل - خواهیم خواست
۶۹. معادل ماضی استمراری - می‌خواستند
۷۰. نهی - نخواه
۷۱. ۷۲.
۷۳. الرَّابِعَةُ وَ النِّصْفُ.
۷۴. الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ تَمَامًا.
۷۵. الْقَاعَةُ (سالن، مکانی است که مسافر فرودگاه در آن منتظر می‌ماند).
۷۶. الدَّرَرُ (مرواریدها، از سنگ‌های زیبای گران هستند).
۷۷. الشَّرَرَةُ (اخگر، تکه‌ای از آتش است).
۷۸. الْمُسَافِرَةُ (مسافرت، رفتن به جایی با خودرو یا اتوبوس یا هواپیما است).
۷۹. روزی علی از روستایش به جنگل رفت و بعد از مدتی ابرها را در آسمان به رنگ سیاه دید، سپس هوا سرد شد و او احساس سرما کرد و بعد از اندکی، باران بارید پس علی زیر درخت نشست و بعد از قطع شدن باران به روستا برگشت.
- (۱) علی در آسمان چه چیزی دید؟ رَأَى الْغَيْومَ فِي السَّمَاءِ بِلَوْنٍ أَسْوَدَ.
- (۲) علی به کجا رفت؟ ذَهَبَ إِلَى الْغَايَةِ.
- (۳) آیا علی گرمای شدید احساس کرد؟ لَا، شَعَرَ بِالْبَرْدِ.
- (۴) چه وقت علی به روستا برگشت؟ رَجَعَ عَلِيٌّ بَعْدَ قَطْعِ الْمَطَرِ.
۸۰. چه کسی میوه را از درخت بیرون می‌آورد؟ (۲: اللَّهُ)
۸۱. در شب وسط آسمان چه دیدی؟ (۲: الْقَمَرُ)
۸۲. چه وقت برگ‌های درخت دارای رنگ سبز شد؟ (۲: فَصْلُ الرَّبِيعِ)
۸۳. از چه چیزی باران می‌بارد؟ (۱: الْغَيْمِ)
۸۴. تو اهل کجا هستی؟ أَنَا مِنْ طَهْرَانَ. (أَنَا طَهْرَانِيّ).
۸۵. اذان صبح چه وقت است؟ الرَّابِعَةُ وَ النِّصْفُ (چهار و نیم)
۸۶. آن پسر کیست؟ صَدِيقِي. (دوستم است.) / حَامِدٌ. (حامد است.)
۸۷. چه چیزی می‌خوانی؟ أَقْرَأُ الْكِتَابَ. (کتاب می‌خوانم.) / الْمَجَلَّةُ. (مَجَلَّة) /
- الْصَّحِيفَةُ الرَّيَاضِيَّةُ. (روزنامه ورزشی)
۸۸. الآن ساعت چند است؟ الْعَاشِرَةُ وَ الرَّبِيعُ (ده و ربع)
- «دانش آموز عزیز، شما می‌توانید هر ساعت دیگری را بنویسید.»
۸۹. رنگ موز چیست؟ لَوْنُهُ أَصْفَرُ (الْأَصْفَرُ: زرد).
۹۰. با چه چیزی به مشهد مسافرت می‌کنی؟ بِالْحَافِلَةِ (با اتوبوس) - بِالسَّيَّارَةِ (با خودرو).
۹۱. چند قلم در کیف است؟ ثَلَاثَةٌ
۹۲. مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ اِسْمِي حُسَيْنٌ. (اسم شریف چیست؟ اسمم حسین است).
۹۳. هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرَانَ؟ لَا، مَعَ الْأَسْف. (آیا به ایران سفر کردی؟ نه، متأسفانه).